

واقع بینی و روشن نگری در درک خطر امپریالیسم آمریکا باید با تامین اتحاد کلیه نیروهای انقلابی تکمیل شود

امپریالیسم آمریکا بزرگترین دشمن انقلاب ایران و مولود آن جمهوری اسلامی ایران است. امپریالیسم آمریکا منافع عظیمی را بواسطه انقلاب ایران از دست داده است و برای بازگرداندن آن منافع از هیچ تلاش، جنایت و توطئه‌های فروگذار نمی‌کند. تمامی امپریالیستهای اروپای غربی، ژاپن و دولت‌های دست‌نشانده امپریالیسم، متحدان امپریالیسم آمریکا و زیررهری آن در توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران مشارکت دارند.

امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب ایران، برگرد کشورها، حلقه‌های از کانونهای توطئه برای تربیت مزدور، کشیده و نیروهای نظامی خود را در پایگاههای اطراف ایران و دریاهای نزدیک ایران متمرکز ساخته است، تا در لحظه مناسب بر انقلاب ایران ضربت مهلک وارد آورد.

امپریالیسم آمریکا از طریق جاسوسان سیا، که بطور مخفیانه وارد ایران شده‌اند، و نیز وسیله بقیه در صفحه ۲

سیم آخر...

هشیار باشیم که مبادا جو مورد نظر برای تضعیف مواضع جمهوری اسلامی را ایجاد کنند.
بسر نوشت انقلاب بیاندیشیم، زیرا «نامه» قطب زاده آنرا مورد مخاطره قرار میدهد.

بقیه در صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۵۸
شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹، تک شماره ۱۵ ریال

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود «اشغال دفاتر گروهها و بعضی از روزنامهها و...» را توسط «اشخاص متفرقه»، «خلاف مقررات جاری و مخمل امنیت قضائی و تضعیف ارگانهای مملکتی...» مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم، دانسته است.

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود گفته است که «این قبیل اعمال مطمئناً بیانه خوب و زمینه مساعدی است که ضد انقلاب زیر پوشش آن نیت و افکار و نقشه‌های خود را عملی سازد.»

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود یادآور شده است که «اینگونه اعمال جز هرج و مرج ثمره دیگری نخواهد داشت.»

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود تأکید کرده است که «لازم است کلیه افراد مسلمان و متعهد، که به خیال و وظیفه انقلابی و اسلامی دست به چنین اعمالی می‌زنند، بشدت از آن احتراز نمایند و اگر افرادی به این کار ادامه دهند، تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت.»

دادستان کل کشور

در اطلاعیه خود متذکر شده است که «اماکنی که تاکنون به طریق یاد شده تصرف شده است، باید در اسرع وقت تخلیه شده و در اختیار دادستان کل کشور و یا دانستنی انقلاب اسلامی و یاکمیته مرکزی قرار گیرد تا نسبت به آنها برابر مقررات تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.»

دادستان کل کشور

در مصاحبه خود گفته است که «حمله به گروهها در خط امام نیست.»

با توجه به اطلاعیه و مصاحبه دادستان کل کشور

ما می پرسیم:

آیا کسانی که دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر نامه مردم در تهران و دفاتر حزب ما را در شهرستانها اشغال کرده‌اند، و محرکین اشغال لکران، میتوانند خود را «انقلابی»، «مسلمان متعهد» بپرو خط امام و تابع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدانند؟

آیا کسانی که حتی بهر از اطلاعیه دادستان کل کشور به دفاتر و کتابفروشی‌های حزب ما در برخی از شهرستانها حمله کرده‌اند، اعلان جنگ آشکار به جمهوری اسلامی ایران نداده‌اند؟

چرا امروز پس از اطلاعیه دادستان کل کشور دفاتر حزب ما و دفتر نامه مردم، همچنان در اشغال «اشخاص متفرقه» است؟

چرا کسانی که خلاف مقررات جاری عمل کرده‌اند، مخمل امنیت قضائی اند، موجب تضعیف ارگانهای مملکتی شده‌اند، مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور و دستور قرآن کریم عمل کرده‌اند، برای ضد انقلاب بیانه خوب و زمینه مساعد فراهم کرده‌اند تا زیر پوشش آن بتوانند نیت و افکار و نقشه‌های شوم خود را عملی سازد، با اعمال خود هرج و مرج ایجاد کرده‌اند، و در خط امام نیستند، دستگیر و مجازات میشوند؟

ما در انتظار پاسخ مقامات مسئول

کشوریم

حرا قراردادهای موجود امپریالیستی افشا و لغو نمیشود

مردم انقلابی ما برآورده ساخت و بدین ترتیب فرصتی طلایی را از دست داد.
سیاست "گام به گام" دولت مهندس بازرگان، که تغلل و سازشجویی دو ویژگی بارز آن بود، نه تنها آهنگ روند انقلاب را شتاب بخشید، بلکه از یکسو در زمینه داخلی، به انبساط و افزایش عوامل نارضایتی کمک کرد، و از سوی دیگر در زمینه خارجی، امید امپریالیستها را، برای بازیافت سنگهای ازدست رفته‌های در ایران، برانگیخت و بدینسان عملاً شرایط هجوم ضدانقلابی آنها را علیه جمهوری اسلامی ایران در مراحل بعد تسهیل کرد.

مادرستونهای "نامه مردم" و دیگر نرسوبات و بقیه در صفحه ۲

لغو قراردادهای امپریالیستی یکی از شرایط بنیادی رهایی از قید وابستگی و تامین استقلال راستین کشور است

در هفته‌ها و روزهای گذشته، بویژه پس از یادآوری مسامحه‌کاریها و سازشجویی‌های دولت موقت و ضرورت انقلابی عمل کردن توده‌های مردم و دولت آینده از سوی امام خمینی، بحث وسیعی درباره کارنامه "دولت موقت" در رسانه‌های گروهی در گرفته است. می‌توان گفت که بخش قاطعی از نیروهای انقلابی این نتیجه گیری دیرینه حزب ما را یادآور گشته‌اند که، "دولت موقت" خواستهای لحظاتی تاریخی پس از پیروزی انقلاب و انتظارات

حجت الاسلام خامنه‌ای:

يك تو طئه عظیم در سطح مملکت با
هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور
در حال تکوین است

دو چیز بیش از همه احتیاج دارند یکی امنیت و دیگری رفاه. اتفاقاً دو چیز بسیار مهمی هم هستند....
امروز مردم ما احساس و احتیاج میکنند اولاً "به یک امنیت کامل چه در مرزها چه در مناطق دور دست از تهران و چه در خود تهران. امنیتی که، بوسیله ضد انقلاب در این یک سال و نیم عمداً بر هم زده شده و خدشه دار شده است.

و سپس رفیع بیکاری، رفع گرسنگی، رفع بیکاری، رفع گرانی و ایجاد کار و اشتغال و کار افتادن صنعت. می بینیم که دو مسئولیت بسیار مهم بر دوش این دولت است. و مردم این ها را می خواهند. این دولت چه باید بکند؟
این دولت باید از تمام نیروهای که در این جامعه وجود دارد از شور انقلابی از رهنمود امام، از کمک مردم، از دست اندر کاری افراد دلشور، از همه شیوه‌ها استفاده کند تا این دو منظور و دو خواسته را بتواند تامین کند. توطئه ضد انقلاب از همین جا شروع میشود. ضد انقلاب سعی می‌کند که نگذارد این ۲ منظور اصلی مردم که دور کن اصلی سعادت جامعه را زلحاظ مادی هم هست تا مین بشود.

حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران در خطبه‌های نماز جمعه دیروز، ضمن تأکید بر ضرورت تشکیل کابینه انقلابی و همگون و ضمن هشدار دادن نسبت به توطئه‌های دشمن از جمله گفت:

از او (نخست وزیر) بنام مردم طلب می‌کنیم که کابینه خود را هم چنانکه امام در رهنمود خود فرمودند، یکدست و انقلابی و همگون و همکار انتخاب کنند

"همانطور که در روز عید فطر گفتیم، یک توطئه عظیم در سطح مملکت با هدایت عمال اجنبی در خارج از کشور در حال تکوین است.... ما امروز نشانه‌ها و شواهد این توطئه را داریم می بینیم. ما باید از ملت و دولت مجموعاً بر روی هم یک واحد مستحکم بوجود بیاوریم که بتواند در مقابل تمام این توطئه‌ها مقاومت بکند. اگر ملت و دولت پایه پا دست به دست و دوش به دوش در راه این انقلاب با هم حرکت نکنند و همکاری نکنند یقیناً ضد انقلاب پیروز خواهد شد."

وی سپس با اشاره به نیازهای مردم و وظایف دولت در قبال آن گفت: "در حوزه نیازهای مادی مردم به

پشتیبانی شوروی از انقلاب اسلامی ایران

رادیوسکوب اتحاد شوروی از نخستین روزهای انقلاب اسلامی در ایران از این انقلاب پشتیبانی کرده و می‌کند. اتحاد شوروی دسیسه‌های دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیستها و صهیونیستها را فاش می‌سازد. کشور شوروی، صرف نظر از اینکه چه موافقی در راه حسن همجواری شوروی و ایران بوجود آید، همیشه این سیاست را در مورد ایران دنبال خواهد کرد.

پشتیبانی از راه حق ملت‌ها و مبارزه ضد امپریالیستی و ملی آزادیبخش آنان اصل بنیادی سیاست خارجی شوروی است.

حمایت اتحاد شوروی از انقلاب ایران و پشتیبانی از خواست عادلانه ملت‌های خاور نزدیک در مورد خروج نیروهای اسرائیل از تمام سرزمین‌های اشغالی اعراب، منجمله از بیت المقدس، موید این امر است.

(بمنقل از کیهان، ۲۳ مرداد ۵۹)

همکاریهای نظامی و فعالیت‌های توطئه گرانه رژیم‌های وابسته در منطقه

دیدار ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان و صدام حسین دیکتاتور رژیم بعث عراق از عربستان سعودی، نمایانگر نزدیکی و گسترش همکاریهای نظامی رژیم‌های وابسته ضد خلقی در منطقه است، که طبق رهنمودهای امپریالیسم آمریکا و باهدف فراهم کردن زمینه تسکین اتحادیه سیاسی نظامی از رژیم‌های دست‌نشانده و وابسته به آمریکا، برای رویارویی با جنبش‌های انقلابی خلقها و کشورهای مستقل ملی در این منطقه انجام می‌گیرد.

امپریالیسم آمریکا پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما و پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان، که موجب تحولی سگرف در اوضاع سیاسی و نظامی منطقه گردید، بر آن شد که در دو جهت به ترمیم و تقویت مواضع سیاسی و نظامی خود در این منطقه به پردازد، تا موقعیت سلط خود را در منطقه، که در نتیجه پیروزی این دو انقلاب متزلزل گشته، جبران کند.

امپریالیسم آمریکا ضمن تقویت پایگاههای نظامی خود در دیکو کارسیا در اقیانوس هند، پایگاه مصریه در عمان و تاسیسات و پایگاههای نظامی در عربستان سعودی و پاکستان، به ایجاد پایگاههای نظامی جدید در سومالی، کنیا و مصر پرداخت و گسترش حضور نظامی خود در آبهای اقیانوس هند، تنگه هرمز، خلیج فارس و دریای عمان را به مقیاس بیسابقه‌ای رساند. این فعالیتها باهدف استراتژیکی - نظامی آمریکا به مقیاس جهانی و همچنین برقراری و تقویت کنترل نظامی بر اوضاع منطقه، جهت نیاده کردن طرحهای توطئه ارائه علیه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا،
دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

واقعی بینی و...

دیگر عمل پنهان و آشکار خود، شبکه وسیع سیاسی و نظامی برای توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان داده است.

امریالیسم آمریکا با همکاری جنایتکاران بعثی و صدها مزدور از ایران گریخته، در صدد هجوم به کردستان و خوزستان و بلوچستان و تجزیه ایران است...

توطئه‌های امریالیسم آمریکا پایان ندارد و در صورت عدم مقابله جدی با آنها، هر حلقه توطئه، خطرناکتر و گسترده‌تر از حلقه پیشین به مرحله عمل درمی‌آید. در این کارزار مرگ وزندگی، از امریالیسم آمریکا نباید هراسید و یافریب خورد، بلکه باید با قاطعیت و جدیت، بی‌تزلزل و تردید، تا به پایان رشته‌های وابستگی به این جهانخوار سفاک را قطع کرد، مزدوران آنرا بی‌محایا قلع و قمع نمود و به پیش رفت. توقف، ترس و عقب‌نشینی در حکم مرگ است...

تجربه تلخ افت و خیزهای ۱۸ ماهه پس از انقلاب ایران، بوضوح امریالیسم آمریکا را در چنین ابعادی به توده‌های مردم و مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران سنا شده است.

حزب توده ایران بخود می‌بالد که در افشای یکایک این خصایص و ویژگیها، که عدم توجه به هر یک از آنها، خونهای بسیاری از پیکر انقلاب ایران به زمین ریخته و ضربات جدی بر جمهوری اسلامی ایران وارد ساخته است، نقش مهمی ایفا کرده و از همان ابتدا امریالیسم آمریکا، این هشت پای توطئه‌گر، خون‌آشام و دام‌گستر را، همانطور که هست، ترسیم کرده است.

واقعیات ۱۸ ماهه اخیر، مشت تزویر بسیار کسان را، که آگاهانه برده برواقعیت، فوریت و جدیت خطر امریالیسم آمریکا می‌کشیدند و می‌کوشیدند تا انقلاب را به راه سازش با این دشمن سفاک بکشانند، گشود، اذهان نیروهای صدیق را روشنی بخشید و این واقعیت را با برجستگی خاص به نمایش گذارد که هرگونه تزلزل و انحراف در مبارزه ضد امریالیستی، هر گونه بی‌توجهی به نقش متحدین و دست‌نشانندگان امریالیسم آمریکا در پیسبرد توطئه‌های این امریالیسم، و هرگونه صامحه در مورد بالابین نهادهایی که از دوران تسلط رژیم منفور سلطنتی بجامانده و احتیاج به دگرگونی عمیق و بنیادی دارد، جز بسود اهداف این دشمن غدار، که همانا انهدام کامل انقلاب ایران است، یاری نمی‌رساند.

آنها که می‌کوشیدند تا آمریکا را "نترسانند" و در حقیقت کمک کردند تا امریالیسم آمریکا حلقه توطئه خود را برگرد انقلاب ایران محکم‌تر سازد، بطور عمده از مقابل انقلاب به کنار رانده شدند.

آنها که می‌کوشیدند تا همدستان توطئه‌های امریالیسم آمریکا، یعنی امریالیستهای اروپای غربی و ژاپن را "مستقل" و دوست انقلاب ایران بنمایانند و آنها که از روی ناآگاهی به این دروغ بزرگ باور می‌کردند، به کنار رانده شدند و یا آگاه گشتند.

آنها که رژیمهای دست‌نشانده و سرسبرده‌ای چون ضیاالحقها و قابوسها را، که بایگاه‌های توطئه امریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هستند، "مترقی" و "مستقل" می‌نمایانند و با آنها در کنفرانس‌های آمریکا فرموده شرکت میکردند، افسا شدند. آنها که تبلیغ می‌کردند ارتش بطور کامل در خط انقلاب قرار دارد و کلیه عوامل و سرسپردگان امریالیسم و رژیم شاه سابق در درون آن پس از انقلاب یا "توبه کرده‌اند و یا تصفیه شده‌اند، در برابر ۷ توطئه‌های که تاکنون در ارتش کشف شده، اجماراً مهرسکوت بر لب زدند.

تجربه ۱۸ ماهه انقلاب، اندک‌اندک ویژگی‌های اصلی خط امام، خط ضد امریالیستی و خلقی رهبری انقلاب را که امریالیسم آمریکا را شیطان بزرگ میدانند و خواستار جمع کلیه نیروها و متوجه ساختن کلیه سلاحها علیه آن است، آسکار ساخت و به پیش برد و خطوط جعلی و انحرافی را در نظر توده‌ها و مسئولان بی‌اعتبار ساخت و گامهای موزنی در جهت طرد آنها برداشت.

خوشبختانه ۱۸ ماهه پس از انقلاب و رنجها و خونهای ناروایی که بواسطه عملکرد امریالیسم و عمال آن و ناآگاهیها و ندانم‌کاریها بر مردم کشور ما تحمیل گشت، بپه‌په گذشته است. اکنون تجارب گرانبهایی از این دوران بر تلامذ و سرشار از توطئه حاصل آمده‌است که بر ارجح‌ترین حاصل آنها، موضع گیری قاطع و صریح مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران در قبال این دشمن بزرگ انقلاب ایران و تمامی بشریت آزادی خواه و استقلال طلب و درک صحیح آنها از ویژگیهای اساسی امریالیسم، به سرکردگی امریالیسم آمریکا است.

آقای بنی‌صدر رئیس جمهور در این مورد می‌گوید: "با توجه به اطلاعاتی که در دست است و با توجه به علائقی که پیش و بعد از انقلاب از سیاست آمریکا در ایران تعقیب کرده‌ایم، برای من محرز است که سیاست آمریکا در ایران در جهت اعاده"

وضع سابق سیر می‌کند... می‌بینیم که (انظر آمریکا) مورباید در جهتی سیر کند که به اضحلال قدرت مرکزی بیانجامد، یعنی حاکمیت دولت از بین برود و زمینه پیدایش رژیم مطلوب سیاست آمریکا فراهم شود...

سیاست آمریکا انهدام انقلاب ماست. (از مصاحبه مطبوعاتی ۶ اردیبهست ۵۹) حجت الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، نیز در مورد موضع کنونی جمهوری اسلامی ایران در قبال امریالیسم آمریکا می‌گوید:

"امروز روز برخورد قاطع ما با ابرقدرت آمریکا است. مساله ما با آمریکا، بالاتر از نداشتن تفاهم و دوستی است. اگر سال گذشته دولت ما و مسئولان امر ما دچار رودریاستی هم با آمریکا بودند، امروز دیگر ملت ما هیچگونه رودریاستی با ابرقدرت ظالم آمریکا ندارد. این یک تحول اساسی در مسائل ایران است و مسائل ایران بعوسله این موضع قاطع در مقابل ابرقدرت آمریکا بصورت مسائل حاد یک انقلاب ضد امریالیستی در آمده و ما اگر روایطمان را با آمریکا به این صورت قاطع قطع نمی‌کردیم و سینه‌به‌سینه آن قدرت ظالم ستمگر نمی‌ایستادیم، یقیناً امروز انقلاب ما از مسیر خود منحرف شده بود. امروز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و همه نیرویستاده‌ایم... ما امروز در صحنه بین‌المللی با وجود همه فشارهایی که آمریکا و دولت‌های هم‌پیمان و همفکر و دست‌نشانده اش در اروپا و آفریقا و جاهای دیگر... روی ما می‌آورند، فاتح و پیروز ما هستیم نه آمریکا... و ما این راه را پیش خواهیم رفت و این خط را تا آخر ادامه خواهیم داد."

(۲۱ مرداد ۵۹، خطبه‌های نماز عید فطر) حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، نیز در مورد امریالیسم جنایتکار آمریکا و موضع آن در قبال انقلاب ایران می‌گوید:

"ما مطمئن هستیم که شیطان بزرگ به این زودیها دست از سر ملت ما بر نمی‌دارد. ما آماده مقابله هستیم."

(از مصاحبه مطبوعاتی در محل مجلس، ۲۰ مرداد ۵۹) و مرتضی رضائی سرپرست سپاه پاسداران می‌گوید:

"احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است. یعنی ما همین حالا احتمال می‌دیم که... مدتی دیگه توطئه باشد... آمریکا و اسرائیل و بلوک غرب شدت متافع فراوانی را از دست داده‌اند که میخواهند آنها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق استقرار یا ایجاد یک رژیم وابسته به آنها در منطقه خاورمیانه و اونم در ایران که مجاور با شوروی است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است واقیاً نوس‌هنگ..."

(از مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۷ مرداد ۵۹) این سخنان اساسی‌ترین ویژگی خط امام، یعنی خصلت ضد امریالیستی آنرا بیان می‌کند و نشان می‌دهد که این ویژگی اساسی از جانب بالاترین مسئولین جمهوری اسلامی ایران درک میشود، امری که بسیار نویدبخش و شادی برانگیز است و از پشتوانه‌های مطمئن برای ادامه و گسترش مبارزه استقلال طلبانه مردم ایران، حکایت می‌کند. وقتی مسئولان چنین باروشن بینی و درایت دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را می‌سناسند، طبیعی است که از زبانهای ناشی از عدم شناخت خطر واقعی و اصلی و طی طریق در گمراهها، شدت کاسته می‌شود و انقلاب مطمئن‌تر و با خطرات و زیانهای کمتری سوسی هدف اصلی خود، که همانا کسب استقلال کامل و قطع وابستگی‌های اسارت‌بار به امریالیسم است، پیش می‌رود.

اما این روش بینی و درک صحیح خطرات اصلی و واقعی که انقلاب ایران را تهدید میکند، اگر با شیوه صحیح مقابله با این خطر، همراه نگردد، ناکافیست.

دشمن اصلی و واقعی امریالیسم جنایتکار آمریکا است، که به همراهی جبهه جهانی سرمایه، از متحدین اروپایی و ژاپنی گرفته تا رژیمهای دست‌نشانده و "محدردشاهی" چون ضیاالحق، قابوس، سادات، دمیرل، خالد و... و نیز نیروهای مدافع خویش در درون کشور، از مزدوران ساواک گرفته تا سرمایه‌داران بزرگ، زمینداران کلان و... با تمام قوا در صدد نابود کردن انقلاب ایران است. برای مقابله با توطئه عظیم این جبهه وسیع باید وسیعترین نیروها را، که حاضرند علیه امریالیسم آمریکا و بسود انقلاب ایران عمل کنند، فراهم آورد و در مقابل جبهه وسیع دشمنان انقلاب ایران، وسیعترین نیروهای مدافع انقلاب ایران را بسیج کرد. باید در مقابل تدارکات و تلاشهای امریالیسم آمریکا برای جمع آوری نیرو در عرصه جهانی علیه انقلاب ایران، به جمع آوری نیرو بسود انقلاب ایران پرداخت و تمامی نیروهای ضد امریالیست، صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهانی را به یاری طلبید و در عرصه داخلی در مقابل جبهه مشترک جنایتکاران توطئه‌گر ساواک و سیا و موساد، سازنکاران، سرمایه‌داران و

چرا قراردادهای...

بقیه از صفحه ۱
استاد حزبی پیوسته درباره بیامدهای منفی و خطرناک چنین سیاستی هشدار داده‌ایم و بحث‌های کنونی نشان می‌دهد که دیگر پشتیبانان صادق انقلاب نیز با ما هم آوایند. در اینجا تنها یکی از نمونه‌های زبان‌بار و متاسفانه بارز سیاست تعلل و سازش جویی "دولت موقت" را در زمینه سیاست خارجی، یادآور می‌گردیم، که در بحث‌های جاری کم‌تر به آن توجه شده است.

همه کس می‌داند که یکی از حیاتی‌ترین رستم‌های وابستگی هم‌جانبه رژیم شاه سابق به امریالیسم جهانی، بویژه امریالیسم ایالات متحده آمریکا را قراردادهای اسارت‌بار نظامی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل می‌دادند. امریالیستها از این قراردادهای برای جابول منابع بروت ملی ما، سلطه بر سرنوشت سیاسی ما، انهدام فرهنگ ملی ما و تحمیل سیاست تجاوزکارانه خویش علیه همسایگان و جنبش‌های آزادیبخش منطقه استفاده می‌جستند. بسیاری از این قراردادهای درست به علت سرشت نواستعماری، تجاوزکارانه و جابولگرانه‌شان محرمانه بودند و رژیم شاه سابق یا استتار آنها میخواست ماهیت دست‌نشانده خود را پنهان سازد.

بنابراین مردم ایران، پس از سرنگونی رژیم دست‌نشانده و سیروزی ۲۲ بهمن، بحق انتظار داشتند که نه تنها متن این قراردادهای انشاریابند، بلکه الغای مواد ضدمیهنی و استتاری آنها بیدرنگ اعلام گردد. اما دولت مهندس بازرگان از چند مورد بنویسه خود مهم، مانند ترک پیمان "سننو"، لغو برخی قراردادهای خرید کالاهای تسلیحاتی، که بگذریم، نهمه استتار متن و نه به الغای حدود هزار قرارداد دیگر میان رژیم سرسبرده شاه سابق و دولت‌های امریالیستی اقدام کرد. برعکس، دولت موقت کار را به آنجا کشانید، که با سخنگوی

بقیه از صفحه ۱

همکاریهای نظامی

دمکراتیک افغانستان، بمنظور براندازی رژیمهای حاکم در این دو کشور و تضعیف مواضع کشورهای عضو جبهه نایداری در برابر تجاوز اسرائیل انجام میگیرد.

جهت دیگر فعالیت‌های نظامی و توطئه‌گرانه امریالیسم آمریکا در این منطقه در زمینه نزدیک کردن روابط و گسترش همکاریهای سیاسی و نظامی میان رژیمهای وابسته و دست‌نشانده و ایجاد اتحادیه سیاسی-نظامی از این رژیمها صورت می‌گیرد.

سیروزی این رژیمها از سیاست آمریکا و مواضع خصمانه آنان در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و انقلاب

زمینداران بزرگ، که بسود امریالیسم و در جهت تحقق توطئه‌های شیطانی آن عمل می‌کنند، وسیع-ترین جبهه ممکن را از کلیه نیروهای ضد امریالیست و مدافع انقلاب فراهم آورد. در مقابل سیاست "واقع بینانه" دشمن، که همانا گردآوری وسیعترین نیروهای ممکن علیه انقلاب است، باید واقع بینانه وسیعترین نیروهای ممکن بسود انقلاب را بسیج کرد. ایجاد تفرقه میان نیروهای خلق، دامن زدن به بدبینیها و تحریک و درگیریهای ناروا میان این نیروها، از عدم درک خطر اصلی و واقعی امریالیسم آمریکا ناشی می‌شود و به زیان انقلاب و بسود توطئه‌های دشمن است.

خطر آمریکا جدیست. آمریکا با انقلاب ایران سرسوخی ندارد، بلکه صریحاً خواستار انهدام آن است.

خطر آمریکا فوری است. حلقات توطئه‌های آمریکا، که یکی از دیگری خطرناکتر و گسترده‌تر است، بی‌دری آسکار می‌شود و در پی شکست هر توطئه، توطئه بزرگ‌تری بسرعت تدارک می‌شود. امریالیسم آمریکا هم‌اکنون توطئه بزرگ دیگری را سازمان می‌دهد و در صدد تجزیه ایران است.

خطر آمریکا باقیست. تا دست امریالیسم آمریکا کاملاً از کشور ایران کوتاه نشده‌است، تا خود را به امریالیسم قطع نکرده است و تا مزدوران امریالیسم بگلی نابود و قلع و قمع نشده‌اند. و تا سر این مار زخم خورده کاملاً با سنگ عملکرد متحد کلیه نیروهای مترقی و انقلابی کوبیده نشده است، خطر این دشمن آشتی‌ناپذیر باقیست.

برای مقابله با خطر جدی، فوری و باقی امریالیسم آمریکا باید متحد شد. "امروز زمانی نیست که برای هر چیزی در مقابل هم باسیم، زیرا دشمنی وقیح و وحشی در کمین داریم. (از سخنان حجت الاسلام خویشی‌ها در نماز وحدت مشهد، ۱۶ خرداد ۵۹)

هارترین جناح محافل امریالیستی آمریکا، یعنی برژینسکی، به گفتگو نشست و، در بهترین حالت، تنها مسئله "تجدیدنظر" در این قراردادها را مطرح کرد.

خوشبختانه "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"، متکی به اراده اکثریت قاطع مردم ایران و پشتیبانی امام با اقدام انقلابی خود به "سیاست گام به گام" پاسخ گفتند و سازگاری "دولت موقت" را ترمز کردند. یکی از بیامدهای مثبت این رویداد تحمیل لغو قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا در آخرین لحظات به دولت موقت بود. سیاست عدم انتشار و الغای قراردادهای اسارت‌بار از سوی "دولت موقت"، در بر توطئه‌های که مهندس بازرگان همین چند روز پس در توجیه عدم تحویل دولتی به "سنجه در سنج انداختن ابرقدرتی چون آمریکا"، کرد، قابل اغماض نیست، ولی با توجه به دیگر تعلل و رزیبها و سازش جویی‌های دولت او طبیعی می‌نماید.

پس آنچه طبیعی نیست، ادامه همین سیاست از سوی محافل دولتی است، که هم‌چنان به سکوت خود درباره متن قراردادهای آریامهری- امریالیستی ادامه می‌دهند و علیرغم تشدید هم‌جانبه توطئه‌های نظامی و تحریم‌های اقتصادی امریالیسم آمریکا و یاران غارتگر و رژیم‌های دست‌نشانده‌اس، گامی در راه انتشار و اعلام لغو این قراردادهای بر نمی‌دارند. در حالیکه مبارزه پیگیر علیه سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امریالیسم تنها هنگامی قابل تصور و میسر است که بر پایه کوشش هم‌جانبه برای قطع وابستگی‌های اسارت‌بار گذشته استوار باشد.

ما امیدواریم که دولت آینده این امر را در صدر برنامه سیاست خارجی خود قرار دهد. در چنین صورتی نه تنها یکی از آرزوهای دیرینه انقلابیون ایران برآورده خواهد شد، بلکه همچنین یکی از شرایط بنیادی رهائی از قید وابستگی و تامین استقلال راستین کشور ما نیز فراهم خواهد آمد.

فلسطین و سایر جنبشهای آزادیبخش منطقه، مبنای مساعدی است برای توسعه روابط و همکاریهای میان آنان و تشکیل یک اتحادیه سیاسی و نظامی از آنان.

طبق همین برنامه است که در دوران اخیر در روابط میان عربستان سعودی، پاکستان، مصر، عراق، سومالی و کنیا نزدیکیهای چشمگیری صورت می‌گیرد و همکاریهای نظامی میان این کشورها گسترش می‌یابد. عربستان سعودی، که بعلت ماهیت ضد خلقی رژیم حاکم بر آن، مورد اعتماد کامل جهان امریالیستی و در درجه اول امریالیسم آمریکا است، و از سوی دیگر نروتهای نفتی هنگفتی در اختیار دارد، در این اتحاد و همبستگی میان رژیمهای دست‌نشانده و وابسته به امریالیسم آمریکا در منطقه، نقش برجستهای ایفا می‌کند.

این نقش عربستان سعودی قبل از هر چیز در قبول بخشی از اعتبارات هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی است، که در اختیار مصر و پاکستان گذارده می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان، پاکستان به مرکز توطئه و تحریکات امریالیسم آمریکا و چین علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان تبدیل گردید. در خاک پاکستان اردوگاههایی برای دستجات و گروههای ضد انقلابی افغانی تشکیل شد. مستشاران نظامی و ماموران "سیا" آمریکا، باتفاق مریدان نظامی چینی و پاکستانی، گروههای تروریستی افغانی را در این اردوگاهها آموزش می‌دهند و جهت عملیات تروریستی و خرابکاری به خاک افغانستان میفرستند.

بر اساس همکاریهای نظامی میان پاکستان و عربستان سعودی، بخش اعظم هزینه این اردوگاهها و گروههای ضد انقلابی افغانی از جانب عربستان سعودی تامین می‌شود.

دولت یعنی عراق در توطئه‌های امریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به مرکز تجمع و سازماندهی افسران فراری گارد، ساواکیها و دیگر عناصر و گروههای ضد انقلاب تبدیل شده و این گروهها جهت تجاوز به خاک ایران در نواحی مرزی عراق با ایران استقرار یافته‌اند.

نیروهای مسلح عراق به تجاوزات هوایی و زمینی خود به نواحی مرزی ایران ادامه داده، دامنه این عملیات تجاوزی را گسترش میدهند. منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه ایجاب می‌کند که جهت شکست توطئه‌های امریالیسم آمریکا و جبهه متحد رژیمهای دست‌نشانده آن در منطقه، روابط و همکاریهای خود را با کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و جنبشهای ملی در منطقه هر چه بیشتر گسترش دهند. کشورهای مستقل ملی منطقه موظفند بر پایه منافع مشترک در مبارزه علیه امریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به آن، جبهه متحد ضد امریالیستی خود را استحکام بخشند و تمام توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی امریالیسم آمریکا و متفقین منطقه‌ای آنرا محکوم به شکست سازند.

کودکان قالیباف مقان تبریز: مارا از استثمار نجات دهید!

مقان بخشی است در ۴۰ کیلومتری تبریز، که قریب ۱۲ هزار نفر جمعیت دارد. شغل اصلی اهالی کتشیلی و دامداری است، ولی قالیبافی نیز در این بخش از رونقی به سزا برخوردار است.

در این بخش نزدیک به ۱۰۰ کارگاه قالیبافی وجود دارد، که در هر کدام از ۲ تا ۱۰ نفر مشغول بکارند، کاری طاقت فرسا با حداقل دستمزد. بیشتر کارگران این کارگاهها را کودکان ۸ تا ۱۶ ساله تشکیل میدهند که به علت فقر و بی چیزی، عموماً تا به مین هزینه زندگی از طرف پدر خانواده و مدها علت دیگر، به این مکانها کشیده شده اند و چه بسا این کودکان تا به مین کشنده معارج یک خانواده بزرگ اند.

حیب یکی از این کارگران است، که می گوید: ۱۴ سال دارم حدود ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان حقوق می گیرم به کمک پدرم خرج خانه را تا به مین می کنیم. حیب به علت این که خرج خانواده را تا به مین می کند، نتوانسته راهی به مدرسه پیدا کند و در نتیجه به این مکانهای تنگ و تاریک و نور کشیده شده است.

از این قبیل کودکان در این کارگاهها بسیارند. محمد می گوید: ۱۵ سال دارم و ۴ سال است که قالی می بافم. روزی ۲۰ تومان می گیرم. با کمک پدرم خرج خانواده را تا به مین می کنیم و به همین علت هم نتوانستم به مدرسه بروم.

گذشته از این کودکان، که هنوز سنی از آنها نگذشته، به عنوان کارگر حرفه ای بکار گرفته شده اند، تعداد بسیاری از کودکان با تعطیل شدن مدارس و فرارسیدن فصل تعطیلی برای این که اندوخته ای برای مخارج تحصیلی خویش فراهم کنند، و از این نظر کمکی با نند برای خانواده، بکار در این کارگاهها کشیده شده اند. تعدادی نیز با تحمل این کار طاقت فرسا شبها درس می خوانند.

محمد که کلاس چهارم ابتدائی را می خواند، می گوید:

"مدرسه تعطیل شد و من نیز برای اینکه مخارج تحصیلی خود را تهیه کنم و برای خود لباس بخرم، به اینجا آمدم، تا کار کنم. پدرم بیکار است. بسا این ۱۵ تومان حقوقی که می گیرم یک کمکی هم به خانواده می کنم."

ساعت کار در اینجا مشخص نیست. کارگران صبح رود می آیند و غروب خسته و کوفته از کار جانفرسای روزانه راهی خانه می شوند. در این خصوص داود، که ۱۲ ساله است، می گوید:

"۲ سال است که قالی می بافم. روزی چند ساعت کار می کنم، معلوم نیست. معمولاً صبح ساعت ۶ می آیم و عصری رویم، چند ساعت میشود، نمیدانم حمید ۸ ساله اصلاً نمیداند روزانه چند ساعت کار می کند. فقط می گوید:

"به پول احتیاج داریم. به یین خاطر هر روز می آیم تا کار کنم." در این کارگاهها از بهداشت،

رمان، بیمه و دیگر حقوق کارگری هیچ خبری نیست. آنچه زیاد به چشم می خورد، استثمار است، و این استثمار منحصر به کودکان نیست. کارگران دیگر نیز وضع مشابهی دارند. یوسف میگوید:

"۲۵ سال دارم ۱۵ سالن رقالی بافته ام. هر چه زحمت می کشیم، هاش به جیب سرما به داران میرود."

رای خودمان هیچ چیز نمی ماند. مثلاً" یین کارگاه را آجاره کرده ایم که کار کنیم. با هزار مصیبت نخوی را که قبیل ز انقلاب کیلویی ۳۰ تا ۴۰ تومان بود الا ۸۰ تا ۸۵ تومان می خیریم و بعد از چند ماه کار جانفرسا ارباب قالی فر شده را به ۹۰۰۰ تومان از ما خرید و خود ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان فروشد. ۱۵ سال است که مدام کار می کنم، ولی هنوز هیچ چیز در زندگی دارم. چند ماه است که اصلاً گوسفت

نورده ام. دیگر حتی مزه اش را هم رم فراموش می کنم. از ساعت ۶ صبح آیم و تا ۶ عصر بیکس کار می کنیم. شته از این، انواع امراض دچاریم. "لا" خودم چشمانم درد گرفته است. از هم و درمان هم که خبری نیست. در قان هم که اصلاً دکتر نیست. فقط، بهداشتی وجود دارد، که آنهم درست حسابی کار نمی کند. اگر کسی مریض د، باید برود تبریز، و وظیفه دولت



است که به درد ما برسد. اکبر، یکی دیگر از کارگران، می گوید:

هر چه زحمت می کنیم، به جیب ارباب میرود. مصالح و مواد اولیه را از ارباب می خریم، و آنها تیز گران می فروشند. قالی بافته شده را نیز تحویل آنها میدهم. ما خودمان حق فروش نداریم.

در اینجا از سندیکا و شورا خبری نیست. اصلاً اکثر کارگران هنوز بسا این واژهها آشنائی ندارند و با اینکه سندیکای قالیبافان آذربایجان شرقی تشکیل شده است، ولی هنوز به علت عدم تماس، این کارگران نتوانسته اند در آن متشکل شوند.

تمام این کارگاهها تقریباً "وضع مشابهی دارند. وارد هر کدام که بشویم با کودکان نحیف و رنجور، با صورتی رنگ پریده، ناشی از انواع امراض روبرو میشویم. کودکانی که جوانی روزشان شب است. کودکانی که جوانی را بشت سر نگذاشته پیر میشوند.

کودکانی بی خبر از جهان سرشار از شادی کودکانه. به قیافه هایشان که بتگریم، ستم سالها استثمار به خوبی از چهره های معموشان به چشم میخورد.

چشمان به کود نشسته و بی فروغشان حاکی از دنیای عظیم فقر و بی چیزی است. دستان کوچکشان قبل از اینکه با مداد آشنا گردد، به ناچار با "ایلمک" ماء نوس می گردد و بدینسان تمام رنج زندگی را، با این سن کم، با همه وجود حس می کنند. این را می توان از حرفهایشان، نگاه هایشان، و خواسته هایشان بخوبی دریافت.

ببخود نیست که وقتی از حسین و راضیه و ابوالفضل، دو برادر و یک خواهری که در ارتباط با این رنج حاکم، میز مدرسه را با دار قالی عوض کرده اند، می پرسیم: از انقلاب و دولت چه انتظاری دارید؟ ابوالفضل، که ۱۰ سال بیشتر سن ندارد، می گوید: "تا بد، ما بون، گوشت، جنس ارزان و..."

با هر کدام که حرف بزنیم، چشم به گسترش دستاورد های انقلاب دوخته اند. چشمها منتظرند، تا انقلاب تمام این نشانه های سالها سلطه امپریالیسم و کارگران داخلی را هر چه زود تر از زندگیشان محو کند. آنان منتظرند تا همچنان که انقلاب در کشورشان بوقوع پیوست، به زندگیشان نیز راه پیدا کند. آری وظیفه دولت است که دریچه امید را به روی این سازندگان فردا بگشاید. نباید گذاشت نور امید به آینده که در چشمان این به غم مستگان دیده میشود، به یاس مبدل گردد. انقلاب میتواند و باید به درد این محرومان پایان بخشد.

برقرار یاد اتحاد
همه نیروهای ضدامپریالیستی
و دمکراتیک ایران
در جبهه متحد خلق

تجربه امپریالیسم به اومی آموزد: برای درهم شکستن یک انقلاب فخست باید آن را منفرد کرد

با خود آن عمل اصلی بی ارتباط نبوده است. البته بدون خیال پردازی بلیسی زائد، باید این مطالب را کشف کرد و از تاریخ درس و عبرت گرفت. (۲) دست دوم عملیات، عملیاتی است که "در داخل دژ"، در داخل استوار دایره انقلاب و بنام انقلاب انجام می گیرد.

در انقلاب ما سه نیرو باشند و ضعف مختلف، شرکت داشته اند و دارند. نیروی مسلمانان مبارز، لیبرالها و نیروهای چپ. لذا صلاح است که در داخل همه این نیروها خسته شود و از موضع هر نیرو سخنانی گفته شود و اقداماتی صورت گیرد، که بتواند انقلاب را ضعیف و بدنام کند. این نیروها را که از درون انقلاب آن را تضعیف می کنند، "عقب داران" ضد انقلاب مینامیم زیرا "جلو داران" (امثال آموزگار، انصاری، ازهارای شریف اما می، اویسی، شاپوربختیار) نتوانستند با بازی های "فضای باز سیاسی" و "سوسیال دمکراسی" "حکومت نظامی" (و در همه حال با توسل به کشتار جمعی) جلوی سبیل توفنده انقلاب را بگیرند. همچنان و شور و شوق و شجاعت انقلابی مردم دمدم بیشتر و بیشتر شد، تا زمانیکه توانست قدرت استبداد را سرنگون کند، بختیار را براند و پرچم جمهوری اسلامی را به اهتزاز در آورد. در این حال دیگر نقش جلو داران به صفر بدل شده بود می باست عقب داران به صحنه بیایند.

سیر انقلاب تا کنون جمعی از این عقبداران (مانند امیرانتظام، دریا دار علوی، حسن نژی، مقدم، مراغهای، دکتر متین دفتری و غیره)

را از صحنه فعالیت کمابیش خارج کرده، ولی مگر تعداد آنها ده تا صد تا است؟ این عقبداران ضد انقلاب (لیبرالها و ماژولیتها و مسلمان نمایان) خطری بمراتب بزرگتر از خود آن ضد انقلابی هستند، که به لندن و پاریس و لوس آنجلس پناه برده و بسا در مرز عراق عرض اندام می کنند.

اینها بعنوان انقلابی "شش آتیه" که قصداً انواع تهمتها متهم می کنند، مواضع گرم و نرمی را در رژیم اشغال کرده اند. در حکومت ممدق، چه اندازه زاهدی ها و بقائیه ها و مکی ها دور و برمصدق را گرفته بودند؟

روزی خواهد رسید و این بخش از نقشه ضد انقلاب، که انرامی کوشند "فوق العاده سری" نگاه دارند (و ابداً سری هم نیست) برای همگان از پرده بدر می افتد. ما چون نمی خواهیم بهتان گو باشیم، صوریم ولی زمان برده در بیکار نیست. سر انجام این انقلاب هر چه باشد، این پرده بر داشته خواهد شد و سر دار اسدوها و یفرم خانها و بقائیه ها و مکی های این انقلاب نیز به مردم ایران معرفی خواهند گردید.

آنوقت خواهیم دید که دوستان و دشمنان انقلاب را باید یا به دشمنان سر سخت امپریالیسم و عمل آشکار و مخفی آن تقسیم کرد، یا با ملاکها و مقیاسها من در آوردی و خدعه گرانه دیگر.

دارند، نجات دهند. در این شرایط که کشور ما دچار "محاصره اقتصادی" امپریالیستها است، و به تولید بیشتر نیاز دارد، تاخیر در این کار، ضربزدن به انقلاب است.

کاخ پهلوی را بزنیم
خانم حزب لا میم آباد

| |
|----------------------------|
| کمک به خانه حزب |
| ارسال از ننگ دره ۳۰۰۰ ریال |
| یعقوب پور ۱۰۰۰۰ ریال |

در آغاز موفقیت انقلاب ایران، مجله امپریالیستی "نیوزویک" براساس یک تجربه گهنه و امتحان شده امپریالیستها بخصوص در کشورهای آمریکا لاتین (نوشت که، در مورد انقلاب ایران نیز باید گذاشت تا آتش شورها بتدریج سرد شود، آنوقت باید سعی کرد تا مردم نسبت به انقلاب بسی تفاوت شوند وقتی از آن روگردان گردند، در این حالت اگر کودتائی بشود، آبی از آب نخواهد جنبید. آمریکا هر انقلابی را که خواست بوسیله یک کودتاسرنگون سازد، ابتدا در مبدل کردن و رسوا کردن آن کوشید. سعی کرد رهبران انقلاب را بدنام کند. سعی کرد بین انقلابیون تفرقه بیاندازد. سعی کرد از مشکلات اقتصادی برای نسا راضی کردن مردم استفاده کند. سعی کرد تا خود مشکلات اقتصادی و دشواریهای فراوانی در زندگی روزمره مردم بوجود آورد، و سپس همه را بیای انقلاب بنبویسد. سعی کرد به اسم انقلاب و از دهان کسانی که گویا طرفدار انقلاب هستند، حرفهای زده شود و کارهای انجام گیرد، که مردم را از انقلاب بری سازد، تا همه بگویند: "سه سه بار نه بار از این انقلابی که کرده ایم بشیمان شده ایم!"

تمام این نسخه های حکیم فرموده در مورد ممدق، سوکارنو، آلینده، آرینس، مجیب الرحمن، عبدالکریم قاسم، جمال عبدالناصر و غیره بکار رفت و حالا جمع کل آن نسخه ها، ضربدر ده، دارد در کشور ما پیاده میشود و امپریالیسم آنچه را که با رها تجربه کرده است و نامش "ثبات زدائی" و "کودتا سازی" است، در کشور ما بکار میبرد.

معمولاً این عملیات ضد انقلابی به دو دسته تقسیم میشود: (۱) "عملیات خارج از دژ" انقلاب، یعنی عملیاتی که مستقیماً ضد انقلابی است و امتحان روی خودش است.

اقداماتی مانند محاصره اقتصادی، مسدود کردن اعتبارات ایران، قطع رابطه سیاسی با ایران، حمله هوایی طیس، تقویت ضد انقلاب ایرانی در مهاجرت و ایجاد مراکز ضد انقلابی در درواشگتن و پاریس و لندن و اسلام آباد، قاهره و بغداد، تاثیر کردن رادیوها و روزنامه های ضد انقلابی، تربیت نظامی افراد ایرانی ضد انقلابی در عراق و عمان و عربستان سعودی، آوردن ناوگان جنگی و نیروی هوایی به دریای عمان، ترتیب توطئه های کودتائی و تنظیم نقشه نابود سازی میلیونها برای تامین سلطه مجدد آمریکا و غیره و غیره. مجریان این نوع عملیات، بیرون از دایره انقلاب عمل می کنند. فهرستی که ما دادیم، بسیار ناقص است. جا دارد یک فهرست کامل از این عملیات (که بمنظور آنها و اهداف و ایجاد حوادث خونین در شهرهای مختلف ایران نیز از همان نوع است) تهیه شود. این کار نه فقط از جهت سندیت تاریخی ضرور است. این کار از جهت بررسی شگردها "نیز ضرور است و میتواند چشم ما را بر روی خیلی چیزها باز کند. مثلاً بسیاری اعمال در آستانه تجاوز طیس و در آستانه توطئه کودتائی ۱۸ تیر روی داده، که

کشت دهقانان اطراف گومسار در معرض فابودی است

کشا و روزان قرا، اطراف گومسار تا بحال چندین بار به فرمانداری و بخشدار، این منطقه، جهت رسیدگی و کمک به آنان وسم پاشی آفات کشاورزی مراجعه کرده اند. اما برخلاف قول های مساعدمقامات، تا بحال هیچ گونه کمکی به آنان نشده است. هر وقت هم که کشا و روزان به آنجا مراجعه می کنند، فرماندار نیست. لازم به تذکر است که اکثر مزارع گندم، که با آفت سن مواجه گشته اند، در حال نابودی هستند. مشکل دیگر روستائیان، قیمت گندم است، که دهقانان خواستار قیمت بیشتری هستند. ادارات مسئول دولتی موظف هستند که هر چه سریعتر محصولات دهقانان را، که در معرض نابودی قرار داشته و احتیاج به سپهت

مرتضی رضائی،

فرمانده سپاه پاسداران:

احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است

آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب

بشدت منافع فراوان را از دست داده اند و میخواهند اینها را دوباره بر گردانند

از ۲۴ خلبان دستگیر شده، ۱۲ نفرشان کسانی بودند که کمیته تصفیه آنها را بیرون کرده بود و اینها را دوباره آورده بودند سر کار

یا میرفتن از افرادی که تصفیه می‌شدن از ارتش یا افرادی که ساقطی داشتن، اینها را یکی یکی جدا می‌کردن از زیر اون روابط که قبلا سالهای سال در داخل ارتش باهم داشتن و باهم ملاقات می‌کردن، بطبع، بهر خلیبان ۱۰۰ هزار تومن پول و بهر جتربازی در حدود ده - دوازده هزار پیشنهاده کرده بودن و به بعضی ها هم داده بودن. یا مثلا مسائل سیاسی را بزرگ می‌کردن و می‌گفتن ما در تمام ادارات کمیته درست کردیم و شبکه‌هایی درست کردیم و کافی فقط اولین فانتوم بلند بشه و اگر اولین فانتوم بپول خودشان بلند میشه، مثلا اینها موفق می‌شدن و کارشون تمام میشه.

س: آیا این کارها، کارشاخه سیاسی این بوده چون اشاره کردین شاخه سیاسی و نظامی داشته این توطئه و یک مسئله این که در مورد افراد این کار را می‌کنن در سطح جامعه اینها چه ریسنه‌سازی می‌کردن، چه جوی را به وجود می‌آوردن؟

ج: اینها عمدتا فعالیت‌های شان ۲ محور بود. یکی محور نظامی یکی محوری سیاسی. محور سیاسی اش را از همون ابتدای انقلاب شروع به فعالیت کرد. یکی در زمینه داخلی کشور یکی در خارج از کشور و واقعا اگر برادران مسلمان و یا خواهان مسلمان به خارج از کشور رفته باشند، مواجه می‌شن با یک طیف وسیع فعالیت‌های تبلیغاتی علیه انقلاب، روحانیت و رهبریت و نهادهای انقلابی، که کشت و کشتار، درمملکت راه افتاده و انسانیت را دارن از بین می‌برن و به این صورت آنزوری هم که در رابطه با کشتارهای خودشون سرپوش یگذارن در داخل کشور هم به همین صورت شروع کردن به ایجاد شایعه، جعل سازی و تبلیغات بسیار وسیع. خوشبختانه در همین خونه‌های تیمی که ما از اینها گرفتیم، دقیقا اصلا ریشه‌های شایعات را مادر آوردیم. عکس‌هایی از امام مونتاژ شده، به صورت کاریکاتور در آوردن روحانیون انقلابی‌ها، بصورت شکل‌های کاریکاتوری مستهجن در آوردن و یا نوشته‌هایی که نشان میده که حطور باید یک شایعه را درست کرد و شایعات را چگونه در دهان مردم بریزیم و یا با مسائلی از این قبیل که... یا نوارهای بختیار که از خارج می‌آید. اون شاخه سیاسی که محور دوم کار را بعیده داشت و بعد از انقلاب شروع کرده بود این نوارهای بختیار را پیاده می‌کردن و حتی برای بعضی از روحانیون، بعضی از افراد دیگه هم می‌فرستادن یا بعنوان نمونه از یکی از این زنانی که در اون جریان کاذبی تظاهرات زنان دستگیر شده بود، مدرکی بدست آمد که دقیقا نشان می‌داد که این وابسته به اون جریان و سی می‌کردن باز از این ناراضی‌هایی هم استفاده بکنن اینها وحدانتر تلاششان این بود که این ناراضی‌ها و این انتظاراتی که در مردم بعد از انقلاب بوجود آمده، اینها را سوق بدهند به جهت جی، به جهت مخالفت با اصل انقلاب و محتوای انقلاب و از اون شکل اصیل برخورد اصولی مردم به یک شکل اغراقی بکشان و در نتیجه خودشان از سر بهره‌برداری می‌کنن یا بعنوان نمونه سواستفاده از حس میهن پرستی و اخیرا ما مواجهه شدیم با یکسری از پرچم‌های سهرنگ ایران، که بدون آرم جمهوری اسلامی و بدون حاشیه الله اکبر در بین مردم بخش شده و دقیقا تبلیغ خط ملی‌گرایی و علم کردن این خط در مقابل حاکمیت اسلام، که ملیت گرایی در متن آن نهفته است، و در حقیقت نقش درجه اول دادن به چیز درجه دوم، که بعدا بتونن خودشون را کم کم مطرح بکنن و دقیقا بخاطر حفظ مخالفت بود.

س: آیا واقعا زمینه کودتا در ایران وجود داره و ارزیابی شما درباره این مسئله چیست. آیا کودتایی می‌تونه موفق بشه؟

ج: اینجا ۲ مسئله است. آیا احتمال توطئه هست؟ مسئله بعدی آیا موفق می‌شوند؟

احتمال توطئه خیلی زیاد است، یعنی ما همین حالا احتمال می‌دیم که ممکنه فرض کنین مدتی دیگه توطئه باشه. ولی آنچه که مسلم است، هیچ کدام از این توطئه‌ها بیرون نخواهند شد. علت اینکه توطئه چرامیشه، اگتیم که آمریکا، اسرائیل و بلوک غرب بشدت منافع فراوانی را از دست دادن که می‌خواهند اینها را دوباره برگردانند و این فقط از طریق ایجاد یا استقرار یک رژیم وابسته به اونها در منطقه، خاورمیانه و اونم در ایران، که مجاور با شوری است که از نظر استراتژیک و در ضمن مجاور با خلیج فارس و دریای عمان است و اقیانوس هند. بنابراین اونها تلاش خواهند کرد. حالا یک عده‌ای هم پیدا خواهند شد که فریب این تلاش‌ها را بخورند یا تطمیع بشوند یا فریب بخورند، یا توی جو خاصی قرار بگیرند که فکر بکنند آنقدر تسکيلات اینها بزرگ است که دیگه کارتموم میشه و برن وسط دایره عملیات. و اونچه که مسلم است باز ارزیابی‌هایی که ما کردیم، هیچ وقت این توطئه‌ها موفق نخواهند شد. همانطور که امام فرمودن اونها فرض کنین بمباران کردن. اونوقت چیکار خواهند کرد؟ بیاین مردم را ارزیابی کنیم... مردم در یک خفقان شدید و تا دندان مسلح مزدوران آمریکا و اسرائیل پیروز شدند، با اینکه اونها از یک موضع بسیار مسلطی با اون سازمان اطلاعات وسیع‌اش و با اون شکنجه‌های طاقت‌فرسا، پیروز شدند...

س: سپاه با بیش از ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر الان جمعیت کمیته‌ها با بیش از ۶۰ هزار نفر، نیروهای ذخیره سپاه با بیش از ۴۰۰ هزار نفر، نیروهای بسیج ملی با بیش از یک میلیون نفر، و اکثریت برادران ارتش معتقد ایران افرادی هستند آموزش دیده و مسلح و آماده به نبرد و یاری. بنابراین در یک ارزیابی مشخص ما برتری کامل داریم.

هون یک هفته اول غائله را بخوابان. بعد هم جناح‌های سیاسی مثل حزب ایران و بهایی‌ها و اینها می‌آمدن وسط و معرکه‌گیری و تظاهرات وسیعی می‌کردن یک خط سیاسی هم به جریان بدهند و مسئله را تثبیت بکنن. بعد نکات جالبی که در این جریان هست، مسئله زندان اوین است. در زندان اوین که محافظت‌اش به عهده گویا لشکر گارد بوده، تعدادی از این افراد که با این جریان کودتا دست داشتن، قصد داشتن که زندانی‌های وابسته به رژیم را آزاد بکنن. حتی اینها چند روز قبل از کودتا درخواست تانک و ضد هوایی کرده بودن، بعنوان محافظت از اوین. ولی در حقیقت بخاطر اینکه بعد از اینکه کودتا شروع شد، اونها در همون جا با همون ضد هوایی‌ها و با تانک و نیروهای مسلح دیگه، که بعدا بککشان می‌آید، زندان اوین را تسخیر کنن و زندانی‌های وابسته به خودشون را آزاد و اونجا را مسلط بشن، که ما ۵ نفر را تا کنون در خود محافظین زندان اوین دستگیر کردیم، سروان آریانا، استوار دوم پرویز احمدی وستوانیار شکرالله احمدی. در خوزستان نیز عملیات هم‌زمان با این بود، که قرار بود نیم ساعت بعد از عملیات پایگاه همدان، قرار بود اونجا عملیات شروع بشه. چند روز قبلش لشکر خوزستان به تیپ ناحیه ۲ رزمی گفته بود که از مرز برگردن، آماده باش را لغو کرده بود و با این که ۴ روز ازین لغو آماده باش گذشته بود، هنوز اسلحه و مهمات خودشان را به اسلحه‌خانه تحویل نداده بودن، که دقیقا از فرمانده لشکر اونجا وقتی سؤال میشه که شما چگونه این مسئله ساده نظامی را نتونستین حل بکنین و این اسلحه را تحویل بگیرین، اینشون گفته بود که من قصور کردم و اشتباه کردم و از این مسائل و دشواری‌ها، در بریز و در پایگاه وحدتیه در زقول نیز قرار بود عملیات هم‌زمان با اینها شروع بشه.

س: اونطوری که شما الان گفتید این طرح وسیع بوده، خوب، یک طرح وسیع احتیاج داره به آدم‌های زیادی، پرسنل زیادی داره. قدر مسلم اینها روز اولی که باهم جمع شدن، تعدادشان به این اندازه نبوده. بنابراین بایستی زمینه سازی می‌کردن برای جذب نیرو. بفرمایین که این زمینه سازی به چه نحوی بوده؟

ج: البته علت اینکه اینها توی این فکر افتادن ۲ مسئله بود. یکی همین نیروهایی که شما گفتین گرفتن. یکی دیگه وعده‌های زیادی بود که اسرائیل و مصروعراق و آمریکا به بعضی از رهبران اینها در خارج داده بودن و اینها احساس می‌کردن که چون اینها پشتیبان‌شان هستند و کمک‌شان می‌کنند و تقویت‌شان می‌کنن، خیالشون راحت بود که بتونن بر راحتی کودتا بکنن و موفق بشن. اما در رابطه با جذب نیرو. اینها دقیقا از ۸، نه ماه پیش شروع به سازماندهی کرده بودن و امام هم در بیانات پارسل شان تاکید کرده بود که باید قاطعانه عمل کرد و نکذاست که ریشه‌های حیثانی دوباره بهم دیگه پیوند بخوره و دقیقا همین طور بود. از ۹ ماه پیش اینها شروع کردن دوباره بهم ارتباط برقرار کردن، شروع کردن به اطلاعیه بخش کردن در سطح یادگان. شیوه‌های جذب نیرو به این صورت بوده که اونها سعی می‌کردن از بزرگ کردن مسائل در نزد پرسنل ساده و پایین و آموزش ندیده سیاسی برادران ارتشی ما حداکثر بهره‌برداری بکنن. مثلا به یکی گفته بودن که مایک سازمان اطلاعاتی و حفاظتی بسیار وسیعی داریم که تمام نقاط کشور را شناسایی کرده و هر کسی هم که از ما دستگیر بکنن ما می‌فهمیم. خود اونطرفی که الان دستگیر شده، می‌گفت من همون موقعی که مسئولیت بمباران خونه امام به من محول شده بود، همون موقع به من گفتن تو خودت پس بروشناسایی بکن و کورکی محل نقشه را بکش. این بود که من همان موقع فهمیدم که، یعنی شک کردم که اگه اینها واقعا می‌گن که ما یک سازمان حفاظتی و اطلاعاتی به این وسیعی داریم، پس چرا خود من را می‌فرستن که عامل اجرایی هستم، من را شناسایی می‌کنن. یا مثلاً گفتن که پالیزبان با ۷ هزار نفر مسلح آماده است در لب مرز که هر آن وارد عمل شویم. اون میاد داخل و کار را تمام می‌کنه. یا می‌گفتن عراق چندین تانک در اختیار یک سهرنگ قرار داده، یا مصر چندین هواپیما در اختیار سرلشکر امیرفضلی قرار داده و یا می‌گفتن عشایر بختیاری و ممسنی بویوا صدی بلوچ همه اینها با هم هنگی کامل کردن و بمحض اینکه ماحمله را شروع کنیم، اینها میان وارد صحنه میشن در مقابل یکی از اینها که گفته بود، خوب، شما این همه مردمی که می‌بینین تو خیا بانها، اونها را چیکار می‌کنین. اینها گفته بودن که مردم دنبالشون حوادشانند و اگر ما بتونیم کشتار راه بیاندا زیم، مردم می‌ترسن و دیگه نیان وسط و دقیقا این رسوبات همون تفکرات طاغوتی هنوز تو ذهنشان بود که همین فکر را هم ساواک و اون حکومت‌نظامی می‌کرد، که اگر ما بکشیم جلوی مسائل گرفته میشه.

آقای مرتضی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، در یک مصاحبه تلویزیونی، که در تاریخ ۱۷/۵/۵۹ از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، نکات مهمی را در مورد توطئه نافرجام کودتای ۱۸ تیرماه فاش ساخت. وی از جمله گفت:

" این کودتایی که بعدا خدمتتان شرح میدیم، حزب ایران فعالیت‌های سیاسی بعد از کودتا را بعیده می‌گیره (تا) دقیقا زمینه توجیه و جافاندن مسئله کودتا را برای مردم ایجاد بکنه و در حقیقت نقش هون حزب رسواخیزی که قبلا در زمان شاه مخلوع فراری بود، بعیده بگیره. بعد هم تسکيلات پان ایرانیست‌ها که تعدادی از افراد فعال دستگیر شده و نتواری که معرفی کردیم، اینها جزو حزب پان ایرانیست هستند. از همه مهم تر حیدری که رهبر عملیات خلع سلاح پایگاه نوزه بود. این مسئول آموزش نظامی افراد وابسته به حزب پان ایرانیست بوده و دقیقا این گروه‌ها باهم یک طیف بزرگی را تشکیل می‌دادند که از سویال دموکرات‌ها گرفته تا افراد همین طور وابسته به شاه سابق، مسئله‌ای که اینجا مهمه خصوصیات مشترک این گروه‌ها است. خصوصیات این گروه‌ها عمدتا رو مخالفت و ضدیت شدید با اسلام و روحانیت و کنار زدن رهبران مذهبی از صحنه سیاسی و هون شعار معروفی که در زمان شاه می‌دادند که، آره مذهب باید گاردینی خودشو بکنه و سیاست فراهم باید به سیاستمداران واگذار کرد، یا استفاده از شعارهای عوام‌فروبی، از جمله این که ارتش باید بازسازی بشه، یا این که شعار جلوگیری از تجزیه ایران می‌دادند. حال این که خودشون نقش فعالی که تا این اطلاعات را بعدا می‌دیم در جاهایی که الان دارن تجزیه می‌کنن نقش فعالی داشتن اینها و یا مخالفت اساسی با نهادهای انقلابی جهاد، سپاه و کمیته‌ها که بسیار مسهود بوده در مسائل شان...

... آمریکا و اسرائیل اومدن یک تاکتیک کوتاه مدت نظامی زدند و اومدن از یک شخصیت بنام سبهید آریانا استفاده کردند و یک شورای سفتری از آریانا، اوایی و بختیار تشکیل دادند و در حقیقت وحدت تاکتیکی بین بختیار و اوایی و سبهید آریانا است که نتوانسته اونها را برای همین کودتا باهم هم‌آهنگ بکنه...

س: در مورد همه‌ی کودتا و اونهاچی می‌خواستن بکنن در صورتیکه موفق شدن منتشر شده، اما می‌خواستن از رهون سما سیردقیق کودتا را بسنوم.

ج: در عین حال که واقعا این مسئله، کودتا یک کار احمقانه‌ای بوده، ولیکن مسئله بسیار وسیع بوده و عملیات از پایگاه نوزه شروع می‌شد. بعد از اینکه پایگاه خلع سلاح می‌شد، محقق می‌رفت اونجا و فرماندهی نیروی هوایی را به عهده می‌گرفت. فانتوم‌ها به پرواز درمی‌آمدند و مواضع حساس کشور را بمباران می‌کردند. بعد از این، رادیو تلویزیون، فرودگاه‌ها و محله‌های حساس دیگر تصرف می‌شد. از افراد نظامی و غیرنظامی زمینی، هوایی، دریایی و حتی عواملی که در خود اون ادارات داشتن، دقیقا افرادی بودن در خود رادیو تلویزیون و قرار بود از داخل با اونها همکاری بکنن. بعد از این اینها به هواپیماها بالای یادگان می‌رفتن و هر یادگانی که پشتیبانی نمی‌کرد، از این جریان، اونجا را بمباران می‌کردن و قرار بود که هم‌زمان با آغاز پرواز هواپیماها، یعنی طرح به این صورت بود که عملیات داخل با عراق هماهنگی شده بود و در خارج از کشور یک نماینده دولت عراق در نزد بختیار و بختیار یک نماینده ای در عراق داره نزد دولت عراق، که اینها باهم دیگه کار-های همدیگه را هم‌آهنگ می‌کنن. در داخل، مسئول هماهنگی، سهرنگ بنی عامری یا احسان بود. بعد ساعت ۱۱ شب، هواپیماهای می‌گهای عراقی بلند می‌شدن و کشور را بمباران می‌کردن. اینها به این عنوان که می‌خواهند برنند و اونها را سرکوب بکنند، بلند می‌شدن و برعکس بجای غرب راهی تهران وقم می‌شدن و مواضع حساسی را که بعد می‌گم، قصد داشن بمباران کنن. بعد که این کارها می‌شد، پالیزبان، که در ضمن در خط بختیاره، برخلاف بعضی از تصورات، این با اون افراد جریک‌هایی که فرار کردن قبلا یا از جاهای دیگه آمدن، تعدادی اسرائیلی هستن، عراقی هستن، اینها که خود اونها البته غلومی کردن، هفت هزار نفر اند. ولی ماحدس می‌زنیم بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر آماده کردن در عراق. اینها از مرز روبروی کرمانشاه وارد ایران می‌سده وسی می‌کردن خودشون را به تهران برسونن. برای اینکه بتونن نیروهای را که رادیو تلویزیون و جاهای دیگه را تصرف کرده، اونها را تقویت بکنن. بعد از این جریان، بلافاصله حکومت نظامی اعلام میشه و افراد بسیار زیادی را می‌گرفتن و کشتار وسیعی می‌کردن، که در ضمن

اهمیت پرورش دام برای رشد تولید، خودکفائی و اقتصاد سالم.

علل رکود دامداری و مسئله ناهمگونی واحدهای تولیدی.

لزوم پرورش دام مشخص و متفاوت با انواع مختلف دامداران.

دامپروری در ایران یکی از رشته‌های مهم تولیدی کشور است، که مانند صنایع و کشاورزی نیاز سدی به دگرگونی عمیق دارد.

دگرگونی‌های لازم در امر پرورش دام باید بر اساس یک برنامه‌ریزی انقلابی، منطبق با موازین علمی و دقیق و در راستای نیازهای جامعه بعد از انقلاب باشد.

تحول و برنامه‌ریزی در اقتصاد کشاورزی و رشته‌های وابسته به آن، بدون شناخت دقیق مسر تکاملی آن‌ها در گذشته امکان‌پذیر نیست. انقلاب سکوهمند ما ضرایب جدی بر مسیر نابودکننده و وابسته‌کننده گذشته وارد ساخته است. ولی اگر با بی‌گیری برای بازسازی امر دامداری و دامپروری اقدام نشود و یا به علت بی‌برنامگی در کار بازسازی واحدهای تولیدی وقفه ایجاد شود، بدون شک به مرور زمان همان مواضع تضعیف شده و ضربه‌دیده باز هم تقویت خواهد شد و صاحبان قدرت به "خدمت" باز می‌گردند و سرمایه‌داری استثمارگر، که بدون شک در وابستگی به انحصارات امپریالیستی رشد می‌کند، باز بساط ویران‌گر خود را بهین خواهد کرد.

این امری است که نه فقط با سیاست اقتصاد کشاورزی رابطه دارد، بلکه در زندگی روزمره میلیون‌ها مردم ایران و تغذیه آنها و بودجه خانوادگی آن‌ها تاثیر مستقیم و محسوس دارد.

برای ایجاد تحول و دگرگونی لازم در شرایط پرورش دام، باید حاصلت گذشته آرا درک کرد و زخم‌های عمیق این نوع تولید را، که سبک مجموع تولید اجتماعی را مانند خوره می‌خورد، شناخت و بر اساس این شناخت، داری لازم را برای اکتیام تجویز کرد.

شکل‌های دامداری و دامپروری در ایران و نحوه پرورش دام، مانند تولید در رشته‌های دیگر کشاورزی و در صنایع یک‌دست و هم‌گون نیست. در کنار موسسات بزرگ پرورش دام، که به طریق صنعتی و سرمایه‌داری اداره می‌شوند، دامداری متوسط و کوچک وجود دارد، که هر کدام تا حد معینی و در سطح متفاوتی از وسایل تکنیک تولید برخوردارند. درجه تمرکز سرمایه در انواع پرورش دام به شدت متفاوت است و به همان اندازه نیز درجه دست‌یابی به تکنیک و وسایل تولید پیشرفته.

صرف‌نظر از معیارهای نام‌برده، تفاوت کیفی در روابط استثماری تولید، از استمرار سرمایه‌داری تا اشکال مختلف استثماری مافیل سرمایه‌داری، نشان‌گر عدم هم‌گونی این واحدهای تولید و تفاوت در درجه رشد نیروهای مولده در این بخش از تولید و روابط تولیدی ناسی از آن است.

بنابراین، دامداران کوچک (سنتی) و دامداران متوسط، با مشکلات فراوانی روبرو هستند. دامداری سنتی در زمان شاه‌سابق به علت عدم حمایت دولت و آزادی عمل دامداران بزرگ صنعتی برای بالا بردن تولید خود و بلع قسمت اعظم منابع مالی و اعتباری به سبک محکوم شد و بخش قابل توجهی از دامداران کوچک از حیثه تولیدکنندگان دام خارج شدند.

دامداران بزرگ با تمرکز هرچه بیشتر سرمایه و وسایل تولید و توزیع با دست‌های باز به حیاول پرداختند.

دامداران متوسط، که نسبت به دامداران سنتی از امکانات بیشتری برخوردارند، خود با مشکلات فراوانی در زمینه تولید روبرو هستند. نحوه به کارگیری تکنیک در پرورش دام، گرچه نسبت به دامداران سنتی، اعم از دهقانی و یا عشایری، تکامل یافته‌تر است، ولی خود با محدود است.

در کنار ویژگی‌های تولید، ویژگی‌های دیگری نظیر شرایط آب و هوا، زندگی ایلپاتی و غیره در دامداری کوچک و متوسط وجود دارد، که برای طرح یک برنامه جامع در جهت هم‌گون کردن تولید باید در نظر گرفت.

مهم‌ترین قاطع‌ترین تدابیری که برای رشد و اعتلای سطح تولید در دامداری کوچک و متوسط و در مورد دامداری صنعتی و بزرگ باید اتخاذ

کرد، عبارتند از:
x پلی کردن واحدهای بزرگ و صنعتی، کنترل سبب تولید درجهت حفظ و سنت بازار فروش دام، تا منمن نازهای مصرفی و بکاربردن وسایل و امکانات در جهت رشد دامداری کوچک و متوسط، تبدیل واحدهای بزرگ به مراکز تقویتی و تجهیزکننده واحدهای متوسط.

x کمک به رشد دامداری متوسط، تجهیزتولید با وسایل مدرن و هم‌زمان با آن نظارت بر سیاست تولید، کاربست شیوه‌های درست و علمی و استفاده از خدمات دام پزشکی،
x دادن اعتبار و تجهیزتولید دامداری‌های کوچک برای رشد سطح تولید و تکامل تولید به سطح دامداری متوسط. جستجو در عمل، تا بهترین و کارآمدترین شکل تولید تعاونی در آنجا که محصول عمده محصول دامی است پیدا شود.

در کنار کمک‌های مادی و اقتصادی به دامداران کوچک و متوسط، باید برای حفاظت از دام‌ها و نگاهداری دام خدمات دام پزشکی را تقویت کرد و با تعیین سیاستی منطقی با نیازهای رشد و تکامل دامداری، دام پزشکی را طبق برنامه‌ای دقیق از نو سازمان داد.

چگونگی اجرای طرح خدمات دام پزشکی

گام‌هایی که برای تحقق این امر حیاتی و مهم برمی‌داریم، باید حساب شده و دقیق باشد. برای سازمان‌دهی خدمات پزشکی، یک بررسی عمیق از وضع موجود و شرایط عینی پرورش دام ضروریست. برای بررسی دقیق از وضع موجود دامداری، باید به نکات زیر توجه شود:

۱- آمار: برای تهیه آمار می‌توان از امکانات اساسی و

دام پزشکی آموزش می‌بینند، می‌توانند با حسد بیس‌گیری و رعایت بهداشت اولیه، مانع مرگ و میر و خسارت‌های ناشی از عدم وجود بهداشت دام شوند.

آموزش دامداران از سویی نا حذب‌زادی هزینه‌های دام پزشکی را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر در هر واحد دام‌پروری، به‌طور مستمر، بهداشت اولیه حضور خواهد داشت.

آموزش دامداران سنتی برای بیس‌گیری از نفوذ و شیوع بیماری‌های دامی و رعایت بهداشت در واحدهای کوچک پرورش دام بسیار ضروریست.

بدین ترتیب دامداران سنتی، بعد از طی آموزش خود، مبدل به کادریهای محلی می‌گردند و می‌توانند خود در حفاظت از دام‌ها نقش با اهمیتی ایفا کنند. آموزش دامداران تا کنون در برخی از استان‌ها، از جمله کردستان و لرستان، انجام شده است، به‌طوری که در لرستان اداره دام پزشکی موفق شد ۲۰۰ نفر را با آموزش فنی و بیس از ۵۰۰۰ نفر را با آموزش ابتدایی آشنا کند.

بخصوص آموزش‌های دام پزشکی برای عشایر کوچنده مفید است و آنها را از خدمات دام پزشکی در سطوح اولیه خودکفا می‌کند. در طی این آموزش‌ها می‌توان برای تلقیح مصنوعی و تشخیص آبتنی آموزش داد.

تجهیز فنی

ایجاد تاسیسات و تجهیز فنی واحدهای تشخیص بیماری و همچنین واحدهای مجهز برای تهیه و نگاهداری علوفه برای رشد دامداری ضروری است.

برای ایجاد تاسیسات دام پزشکی به‌طور وسیع و سازمان یافته و متمرکز در سطح استان‌ها و شهرستانها و شهرهای کوچک در خدمت سریع امر

ضرورت تحول در دامداری و دامپروری و راه‌های آن

نی حیناد سارندگی، سوراخ‌های ده، مامورس فسی دام پزشکی و دام‌پروری و مروجین کشاورزی استفاده کرد.

بدین ترتیب باید برای هر دامدار یک کارت آمار تهیه شود، که در آن تعداد دام‌ها، میزان زمین زراعتی قابل کشت برای تهیه علوفه و تعداد اعضاء خانواده درج گردد. آمارگیری بهتر است در فصل زمستان انجام شود.

۲- تقسیم‌بندی کشور: تقسیم‌بندی کشور به مناطق سردسیر، گرمسیر، معتدل، مناطق بیلاقی و قشلاقی محسوس (مانند کرمانشاه، لرستان، کرمان، خراسان) و منطقه گیلان و مازندران.

۳- شناخت مناطق عشایر و آشنایی با مسیر عشایر و زمان بیلاق و قشلاق،
۴- آشنایی با فرهنگ و سنن دامداران و عشایر و کاربرد آن در آموزش آنها.

۵- شناسایی و استفاده از تجربیات کادریهای فنی و افراد ذیصلاح، که از نقاط مختلف زندگی کرده باشند و با آشنایی با محیط می‌توانند تجربیات جمع‌آوری شده را در خدمت تجهیز دام پزشکی بگیرند.

۶- تعیین امکانات موجود موسسات دولتی از نظر پرسنل قابل استفاده و وسایل مورد نیاز و ساختمان‌ها و تجهیزات.

بعد از تهیه مقدمات کار، باید عملیات اجرایی برای به‌نمر رساندن وظایف زیرین آغاز گردد:

۱- آموزش: تجربه نشان داده است که می‌توان برای دامداران کوچک و سنتی و عشایری یک دوره آموزشی ترتیب داد، زیرا آنها خود تا حد قابل توجهی خدمات بهداشتی دام پزشکی را به عهده خواهند گرفت. این دامداران، که توسط گروه‌های آموزش

سحب و معالجه بیماری‌های دامی، باید وسایل ضروری و فنی و آزمایشگاهی تهیه و در مراکز نام‌برده مستقر شود.

تجهیز آزمایشگاه مرکز استان زیر نظر یک دامپزشک مسئول و با حداقل ۴ نفر تکنسین دوساله دام پزشکی مخصوص آزمایشگاه، شکل مناسب سازمان مرکز استان است. در اینجا تذکر این نکته ضروریست که بهتر است کار کلینیک از کار آزمایشگاه جدا شود و بدین ترتیب سهولت کار تضمین گردد.

هم چنین نیازهای آزمایشگاه درجه ۲ از طریق مراکز اصلی، از جمله تهران، کرج، اصفهان، شیراز، تبریز، کرمانشاه، مشهد، کرمان و اهواز تامین شود. با در اختیار قرار دادن وسایل ضروری و کمک‌علمی و فنی در سطوح ضروری، کیفیت کار این آزمایشگاه‌ها بالا خواهد رفت.

تشکیل آزمایشگاه‌های درجه ۳ در شهرستانها تا حد تشخیص‌های فوری و جمع‌آوری نمونه‌های مرضی و ارسال آن‌ها به آزمایشگاه‌های مراکز استان می‌تواند ارتباط درمانی این مراکز را با مراکز استان به خوبی تامین کند.

هم چنین در قسمت تجهیزات باید به ایجاد انبارهای ذخیره علوفه در مناطق دور افتاده و سردسیر پرداخت و در فصول مساعد علوفه لازم را تهیه و انبار کرد.

تجهیز کادر

در این قسمت از فعالیت‌های اجرایی باید یک نفر از مطلع‌ترین دام‌پزشکان به عنوان مسئول بررسی‌ها و مبارزه در هر استان تعیین شود. استخدام تکنسین دام پزشکی (واکسیناتور) در حد ششم ابتدایی، با آموزش مربوطه، قدمی است که می‌توان برای تکمیل کادریهای دام پزشکی برداشت.

این گروه از تکنسین‌ها باید: ۱- از فرزندان کشاورزان و یا دامداران باشند. ۲- ملزم به زندگی در ده و یا همراهی با عشایر در هنگام کوچ گردند.

در حال حاضر می‌توان تعداد هزار نفر از این افراد را سالیانه آموزش داد و به نقاط مختلف گسیل کرد.

کمک مالی

کمک‌های مالی برای رشد دامداری کشور بسیار ضروریست. ولی برداخت این کمک‌ها باید زیر نظارت دقیق، بطور جدی و با تعیین ضوابط و اولویت‌هایی انجام گیرد، که هرگونه حیف و میل و یا سرمایه‌گذاری در امور دیگر را از قبل غیرعملی سازد.

دادن وام بدون بهره و علوفه فقط باید به دامداران و عشایری که نسام آنها ثبت شده است و مورد تایید شورای محلی هستند، پرداخت شود. اقساط بازپرداخت بانگ را باید به صورت محصولات کشاورزی و دامی نیز بذیرفت، تا از این طریق نیز دامداران از حمایت دولت برخوردار شوند و ضمناً توزیع و تضمین برای فروش محصول تولید شده داشته باشند. ضمناً توزیع دام اصلاح شده از جمله کمک‌هایی است که به ویژه در برخی مناطق، مانند بوشهر، کردستان، سیستان و بلوچستان ضروری و پراهمیت است.

هم چنین یکسان کردن قیمت داروهای دام پزشکی و علوفه در تمام مناطق کشور و جلوگیری از هر گونه سوءاستفاده می‌تواند در بهبود وضع دامداری تاثیر بسزایی داشته باشد.

تدارکات برای شناسایی بیماری‌ها

مسئولین بررسی‌ها در سطح استان باید به کمک تیم‌های شناسایی، کلیه مناطق آلوده را شناسایی و بیماری‌های انگلی مناطق مختلف را تعیین و برای مبارزه با آنها اقدام کنند.

در این رابطه، برنامه‌ریزی برای ریشه‌کن کردن واقعی بیماری سل و بروسوز، جلوگیری از فرسوس دام‌های بیمار، در امر نگاهداری دام‌ها بسیار ضروری است. هم چنین هم‌آهنگی بین مراکز اصلاح نژاد و دام پزشکی برای جلوگیری از تلقیح دام‌های مبتلا به بیماری سل و بروسوز باید ایجاد شود و توسعه یابد.

پرورش طیور

پرورش طیور در ایران متأسفانه کم‌کم همراه با هرج و مرج خاصی انجام می‌گیرد، که یادگار دوران ساه سابق است. مرغداری‌ها (مخصوصاً گوسفینی) بی‌رویه گسترش می‌یابند و در مناطقی که برای دامداری (گاوداری و یا گوسفندداری) مساعد است، پرورش طیور انجام می‌گیرد و حتی زمین‌های قابل کشت و مناسب برای تولید کشاورزی مبدل به مرغداری می‌شوند، و این امر دقیقاً در رکود کشاورزی تاثیر می‌گذارد. باید برای پرورش طیور مکان‌های مناسب را انتخاب و تعیین کرد و بدین ترتیب خسارات به دامداری و کشاورزی را تنزل داد. برای مرغداری و پرورش طیور باید:

۱- برنامه صحیح پرورش طیور، همراه با ایجاد سردخانه و کشتارگاه و بسته‌بندی و کارخانه‌های تولیدکننده دان در مناطق مختلف تدوین و اجرا شود. در این‌جا طبعاً باید شرایط جوی و امکانات زراعتی در نظر گرفته شود.

۲- ایجاد شرکت‌های تعاونی مرغداری در هر استان برای تدوین برنامه مرغ تخمی و یا گوشتی در خدمت برآورد کردن نیازهای منطقه باید ایجاد شود. این شرکت‌ها هم چنین مدیریت تولید و توزیع را به عهده می‌گیرند و می‌توانند برای حفاظت و بهداشت طیور، با دستگاه‌های ذی‌ربط دولتی و مراکز دام پزشکی ارتباط برقرار کنند.

توجه به نکات ذکر شده می‌تواند در خدمات دام پزشکی نقش تعیین‌کننده ایفا نماید. با ایجاد تحرک در خدمات دام پزشکی و انطباق آن با نیازهای اقتصادی کشور، گامی مهم در راه بهبود دامداری ایران برداشت.

های فدا شقلاقی ما لکان بزرگ ووا بستگان به‌رزیم جلاد گذشته را خنثی کنند و برای بدست آوردن زمین، یعنی اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان شهیدست، خود را آماده سازند.

*

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرپا و بسود شما اجرا شود

درگیری داشت. بر قسمتی از اراضی منطقه غلامرضا، برای در شاه سابق جنگ انداخت. در رژیم گذشته مسئولین اجازه کشت به خرده مالک مذکور را ندادند و در نتیجه این زمینها (۴۰ هکتار) عاظل مانده. مقداری از زمینهای اطراف این روستا، که توسط اداره جنگل‌بانی درختکاری شده است، متعلق به غلامرضا پهلوی بود که در حال حاضر عنا صرطا غوثی ووا بستگان به‌در با روزیم گذشته، دهقانان راجان هم انداخته و شروع به تعریک کرده‌اند تا جا شیکه آب را بروی هم‌بسته‌اند و در نتیجه حیوانات خانگی و مرغان و ماکیان تلف شده‌اند. همه دهقانان به‌دادگاه انقلاب شاکي شده‌اند. بعضی از اهالی

روستای «خلج یهود کامفیروز» در مرودشت

۷ سال پیش زمینهای اطراف این روستا بعلت بستن سد رزیرآب قرار گرفت، با توجه به سهمی که هرزارع داشت، به‌آنها غرامت پرداخت شد و در نتیجه زارعین از زمینهای خود رانده شدند. یکی از خرده مالکان، که زمینها یش زیرآب نفت از دادن سهم خود به جنگل‌بانی خودداری کرد و مدت چندسال با مقامات مربوطه

همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه

تاکنون در کشورهای در حال توسعه، با همکاری فنی اتحاد سوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی، واحدهای صنعتی ذوب آهن با ظرفیت تولیدی متجاوز از ۳۰ میلیون تن فولاد و جدن احداث گردیده و از آنها بهره‌برداری می‌شود.

ظرفیت تولید نیروی برق مجموعه نیروگاههایی که با کمک کشورهای سوسیالیستی در این کشورها ساخته شده، بیش از ۱۶ میلیون کیلو وات ساعت برق است.

با کمکهای فنی و شرکت کارشناسان کشورهای سوسیالیستی، تاکنون در کشورهای در حال توسعه ۲۰۰ واحد صنعتی، ۲۳۰ پالایشگاه نفت و واحدهای صنعتی پتروشیمی احداث شده و از آنها بهره‌برداری می‌شود.

شماره مجموع واحدهای تولیدی که با همکاری و کمکهای فنی کشورهای سوسیالیستی در کشورهای در حال توسعه ایجاد گردیده، به چهار هزار می‌رسد. کارشناسان کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی، در زمینه‌های اکتشاف و استخراج منابع طبیعی نیز به کشورهای در حال توسعه کمک‌های ارزنده‌ای می‌کنند.

در زمینه آموزش کادر و کارگران متخصص تاکنون متجاوز از ۷۰۰ هزار کارگر و استاد کار از کشورهای نوابستقلال دوره‌های آموزشی فنی را، که بوسیله کارشناسان کشورهای سوسیالیستی در این کشورها تشکیل شده است، طی کرده‌اند، و علاوه بر این، بیش از ۳۰ هزار هنرآموز و دانشجو از کشورهای در حال توسعه در هنرستان‌ها و دانشکده‌های فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی بطور رایگان تحصیل می‌کنند.

گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی، مبنای استقلال اقتصادی این کشورها را استحکام می‌بخشد و به مبارزه با این کشورها در راه برقراری نظام نوین و برابر حقوق بین المللی در روابط اقتصادی و بازرگانی با دول امپریالیستی مساعدت می‌کند.

همکاریهای اقتصادی و فنی کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی با کشورهای در حال توسعه، طبق قراردادهای و موافقت‌نامه‌هایی میان این کشورها انجام می‌گیرد که، در آنها اصل داوطلبی و اصول برابری کامل حقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و سود متقابل بطور اکید رعایت می‌شود. این قراردادهای و موافقت‌نامه‌ها به هیچگونه شرط و تعهد سیاسی منروط و مفید نیستند، و همین اصول، نمایانگر تفاوت‌های ماهوی کمکهای اقتصادی و همکاریهای فنی کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال توسعه، نسبت به این روابط با کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی است.

از یکسو شناخت منافع واقعی ملی، بدور از هر گونه تعصب و پیشداوریهای ضد کمونیستی و تنگ‌نظریهای ناسیونالیستی و عقیدتی در نزد کشورهای در حال توسعه، و از سوی دیگر رشد روزافزون توان اقتصادی و امکانات فنی و تکنولوژی کشورهای سوسیالیستی موجب گردیده‌است که روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی کشورهای در حال توسعه با کشورهای سوسیالیستی سال به سال گسترش یابد.

در اوائل سالهای ۶۰، کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی با ۳۴ کشور در حال توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی داشتند و در زمینه‌های فنی با آنها همکاری می‌کردند. اکنون تعداد این کشورها به ۱۰۶ کشور رسیده و حجم معاملات بازرگانی و اقتصادی با آنها سی‌برابر شده است.

کشورهای سوسیالیستی، برخلاف دول امپریالیستی که تلاش دارند کشورهای در حال توسعه را با صدور سرمایه و کالا و استثمار منابع طبیعی و انسانی، غارت کنند، در روابط اقتصادی و بازرگانی و همکاریهای فنی خود با کشورهای در حال توسعه، به تقویت بنیه اقتصادی، ایجاد پایه‌های صنعتی و منابع انرژی، بورس کادری متخصص فنی و فراگرفتن تکنولوژی معاصر در این کشورها کمک می‌کنند.

نیکاراگوئه: اتحاد نیروهای خاق ضامن پیروزی انقلاب

جارجوب "جبهه" ساندینیست آزادی ملی را برگزیدند و آنرا با اتحاد خویش بحکیم بخشیدند. امری که بگواهی تاریخ، بعدها خویش را بمسابقه بنیادی‌ترین عامل پیروزی سموت رسانید.

یکی از چشمگیرترین رویدادهای روند مبارزه "جبهه" ساندینیست، اشغال "کاخ ملی"، یعنی مقر "پارلمان" کذایی سوموزا و برخی دیگر از ادارات او بود. در روز ۳۱ مرداد ۱۳۵۷، یک گروه کماندویی مرکب از ۲۶ نفر از اعضای "جبهه" ساندینیست در حمله‌ای شهادت آمیز، تقریباً همه وزیران و نمایندگان "پارلمان" نیکاراگوئه را دستگیر و با گروهی از میهن پرستان زندانی معاوضه کردند. این اقدام سبب شد که محبوبیت "جبهه" ساندینیست در میان مردم افزایش یابد، پایه اجتماعی آن گسترش پذیرد و شور انقلابی مردم بالا گیرد.

در شرایط جدید مبارزه، قیام مسلحانه مردم نیکاراگوئه در پاییز ۱۳۵۷ آغاز گشت. میتوان گفت که در این مرحله، "جبهه" ساندینیست آزادی نیکاراگوئه به مهم‌ترین عامل سیاسی و نظامی نیکاراگوئه مبدل شد.

در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۵۸، "جبهه" ساندینیست بیست‌تاری گسترده‌ای را در سراسر کشور آغاز کرد. اعتصاب همگانی ۱۴ خرداد به این بیست‌تاری توان بخشید. اواخر خرداد و اوایل تیر بخش مهمی از شهرهای نیکاراگوئه، مانند استلی، ماسایا، لئون و گرانادا، زیر کنترل ساندینیست‌ها بود. روز ۱۸ تیر، حمله برای تصرف ماناگوئه شروع و روز ۲۸ تیر بونکرهای ویژه سوموزا تسخیر شد.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا، مرحله‌ای نو در تاریخ بیکار "جبهه" ساندینیست آزادی ملی آغاز گشت. "جبهه"، رهبری همه نیروهای هوادار دگرگونیهای دموکراتیک و مسئولیت گسترش دست‌آوردهای انقلاب را بدست گرفت. اکنون کوشش می‌شود که "جبهه" ساندینیست، با تبدیل به پیشاهنگی منسکل و منسجم، هر چه بیشتر با سخوی نیازمندیهای روند انقلاب نیکاراگوئه گردد.

کونیست‌های نیکاراگوئه در یکبار مسلمانان و آزادی بخش علیه رژیم سوموزا پیوسته نقشی برجسته ایفا کرده‌اند. آنها که همواره از جانبازان صفوف پیشاپیش مبارزان ضدامپریالیسم و ارتجاع بوده‌اند، امروزه نیز در جارجوب "جبهه" ساندینیست آزادی ملی و دوش بدوش همه سازمانهای ملی و ضدامپریالیست نیکاراگوئه با پاسداری از انقلاب نیکاراگوئه و دستاوردهای آن و بازسازی ملی به وظائف میهن پرستانه خود ادامه می‌دهند.

همانگونه که اتحاد وسیع‌ترین نیروهای خلق و سازمانهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک آنها پیروزی انقلاب نیکاراگوئه را مبرم ساخت، اتحاد این نیروها و سازمانها، مسیحیان، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، کمونیست‌ها و عناصر ترقی پور و روزی ملی و سازمانهای آنها، در مرحله گنونی گذار و نوسازی نیز، تنها ضامن تداوم روند انقلاب خواهد بود.

"جبهه" ساندینیست آزادی ملی (فرهنگ ساندینیستادلیبراسیون ناسیونال) نیکاراگوئه را کارلوس فونسکا، توماس بورخه و سلویویو یورخا، در سال ۱۳۴۰ پایه گذاشتند. از این سمت، تنها توماس بورخه، وزیر کشور کنونی نیکاراگوئه، پیروزی انقلاب و احراز حکومت را بحکم خود دید و دو رزمنده دیگر، در جریان بیکار رهایی بخش مردم نیکاراگوئه، که نزدیک به بیست سال طول کشید، جان سپردند.

نام "جبهه" ساندینیست آزادی ملی از آوگوستو سزار ساندینو، قهرمان توده‌ای نیکاراگوئه گرفته شده است، که در صدر سباهی خلقی، در سالهای ۱۲-۱۳۰۶، مقاومتی حماسه آفرین را علیه نیروهای مداخله گر ایالات متحده آمریکا رهبری می‌کرد. وی در سال ۱۳۱۳ بدست آناستاسیو سوموزا، بدر دیکتاتور مخلوع نیکاراگوئه، نامردانه به قتل رسید.

در مراحل نخستین فعالیت "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، فزون بر مارکسیست - لنینیست‌ها، عناصر ملی دیگری نیز در آن شرکت داشتند.

از آنجا که رژیم ترور و خفقان هیچگونه امکانی را برای ابزار کوچکترین نظر انتقادی و بیکار علنی باقی نگذاشته بود، هواداران "جبهه"، مبارزه مسلحانه را بمسابقه تنها راه سرنگونی رژیم تجویز و ترویج می‌کردند.

"جبهه"، که نخست از پایه توده‌ای جسمگیری بهره‌مند نبود، علیرغم نداشتن سلاح کافی و تجربه نظامی، در همان ماههای نخست پس از بنیانگذاری، به چند حمله مسلحانه به یگانهای ارتشی و ربودن چندتن از بستنیایان برجسته رژیم سوموزا دست زد. "جبهه" ساندینیست، گرچه از این راه توانست نام خود را در داخل و خارج، بروی زبانها بیاندازد و محبوبیتی نیز بدست آورد، اما بعلل نامبرده، همچنین مجبور به جانبازیها و دادن تلفات بسیار گردید.

باتعمیق بحران سیاسی و اجتماعی رژیم سوموزا و گسترش مبارزات روشنگرانه "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، قشرهای هر چه وسیع تر از مردم نیکاراگوئه به ضرورت سرنگونی رژیم دست نشانده، ورگسته و خودکامه اعتقاد یافتند. آنها بویژه به این ضرورت آگاهی یافتند که، تنها با اتحاد عمل و تشکل همه نیروهای ضدامپریالیستی و ضد دیکتاتوری است که می‌توان بساط رژیم منفور و غارتگر را برچید و انقلاب نیکاراگوئه را بدر انجام پیروز رسانید.

این اعتقاد، که در میدان آتش و خون و رویی با دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم آمریکا و رژیم استبدادی و شناخت توان اتحاد بدست آمده بود، در روی آوردن هر چه بیشتر سازمانهای ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک به "جبهه" ساندینیست، تبلور یافت. مسیحی‌ها، سوسیالیستها، سوسیال دموکراتها، کمونیستها و حتی بخش بزرگی از سازمانهای نماینده بورژوازی ملی، اختلافات عقیدتی خویش را کنار گذاشتند و با حفظ استقلال سازمانی و آرمانی برای پیشبرد هدف مشترک،

دستگاه‌های غول بیکار را در پایگاه نظامی بریتانیا، "دکلیا"، در درما غسه "گرکو"، واقع در قبرس، نمایانگر اهمیت بسزایی است که کشورهای امپریالیستی برای مدیریت آنها و ری، سراسر منطقه خاور میانه و در نتیجه قبرس، از نظر نظامی و استراتژیک، قابل هستند. چنانکه مجله قبرسی "دموکراسیا"، ماهنامه "حزب ترقی خوا" زحمتگشان ("آکل")، چندی پیش نوشت:

"ایالات متحده آمریکا میخواهد از پایگاه‌های خود دیگر کشورهای "نا تو" در مدیترانه برای ما موریت‌های تنبیهی استقا ده کند." بنوشته این مجله، مردم قبرس از اینکه در این زمینه از پایگاه‌های نظامی بریتانیا در این جزیره دریایی مدیترانه نیز سخن برده می‌شود، بی‌تکراهی و بی‌پنداری فریاد بکنند، ظاهراً بگان‌های واکنش سریع نیز، "گه‌وا شنکتن" برای ما جراحی‌هایی خویش در خاور میانه و خاور نزدیک پدید آورده است، در قبرس مستقر خواهد گردید.

پس از انقلاب ایران و سرنگونی رژیم شاه، اهمیت استراتژیک قبرس برای امپریالیست‌ها، بویژه امپریالیسم آمریکا پس از افزایش یافتن چنانکه از کپس‌های پان-ژیوانو، دبیرکل "آکل"، چند هفته پیش اعلام کرد:

مردم قبرس از تبدیل کشور خود به زرادخانه شناور بیمناکند

پانوس پاراسکا ویدیس، نماینده پارلمان قبرس ورئیس کمیته آوارگان، این واقعیت را خاطرنشان ساخته است که، پایگاه‌های نظامی بریتانیا، خطری دائمی برای قبرس بشمار می‌آید. وی، ضمن اشاره به تها و زفرازیانده امپریالیسم، افزود:

"ما قطعاً نخواهیم توانست برچیدن پایگاه‌های نظامی بریتانیا و خروج نیروهای بیگانه از قبرس هستیم."

کریستوس توموس، بزرگ اسقف کلیسای قبرس، اظهار داشت:

"خواستار حل مشاجرات از راه صلح‌جویانه، بهمان اندازه که بر پایه اصول مسیحی صلح و عدالت استوار است، پاسخگوی آرزوی انسانها برای استقرار و رونق زدهای همکاری است. ما مسیحیان قبرس، هم برای صلح و هم در راه عدالت می‌رزمیم، زیرا یکی از دیگری جدا نیست. مسئولیت مسیحی ما ایجاب می‌کند که در برابر مسابقه تسلیحاتی مقاومت ورزیم، زیرا جهانی مملو از جنگ‌افزار، نه تنها زندگی ما را امن‌تر نخواهد ساخت، بلکه تنها موجب ناامنی خواهد بود."

"قبرس، بعنوان کشوری کوچک، واقع در منطقه‌ای حساس از جهان، در برابر هر کوششی، مبنی بر تبدیل به پایگاه "نا تو" علیه کشورهای عرب مقاومت خواهد کرد."

دکتروا سوس لیساریدیس، صدر اتحادیه دموکراتیک مرکز (ادکت) قبرس اعلام داشت:

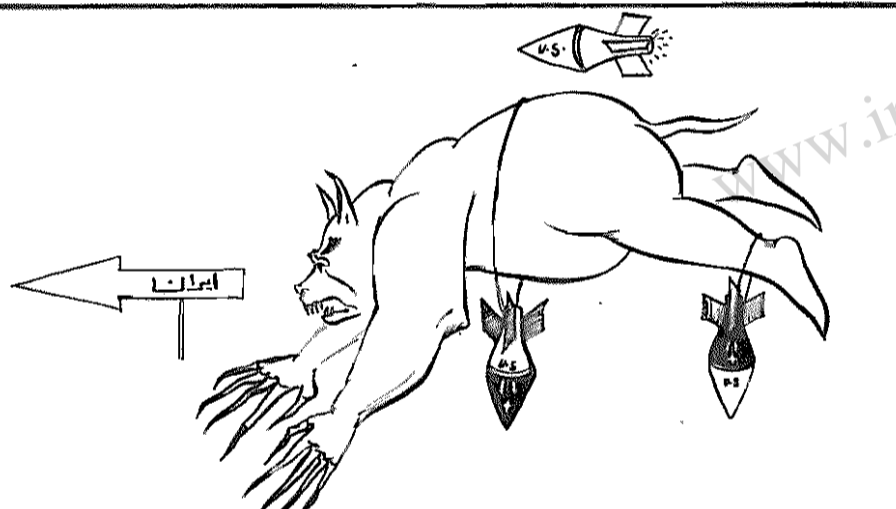
"قبرس، بعنوان یک عضو فعال جنبش غیرمتعهدها، اجازه نخواهد داد که امپریالیسم ایالات متحده آمریکا از جزیره ما برای پیشبرد سیاست تها و زکا را نه خویش سوء استفاده کند. ما با همه نیروها تلاش ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌های نظامی قبرس علیه کشورهای نفت خیز خاور نزدیک و کشورهای سوسیالیستی به مقابله خواهیم خواست."

بسیاری از سیاستمداران قبرس، با وقوف به موقعیت حساس کشور خود، خواهان آن هستند که سیاست تنش زدهای بین‌المللی ادامه یابد. برای نمونه بزیدنت اسپیروس کپیریانوا اعلام داشت:

"برای اینکه بشریت در صلح زندگی کند و از زکا بوس جنگی دهشتناک آزاد شود، لازم است که تصمیمات هلسینکی اجرا گردد."

"مدتهاست که هواپیماهای جاسوسی "یو-۲" ایالات متحده آمریکا در پایگاه‌های بریتانیا در قبرس مستقر است. مقصد این هواپیماها کشورهای عربی است، اما عملیات شان همچنین متوجه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است. بموجب اطلاعات ما، دستگاه‌های الکترونیکی را، که در زمان شاه در ایران بود، اکنون به پایگاه‌های بریتانیا در قبرس منتقل کرده‌اند. علاوه بر این، خبر داریم که بخشی دیگر از این تجهیزات نیز در شمال جزیره ما، که اینک با شغال ترکیه درآمده، استقرار یافته است. بسخن دیگر، بیمناکیم که جزیره ما به پایگاه‌های برای اعمال سیاست تها و زکا میزبان ایالات متحده تبدیل گردد، اما هیچگاه اجازه نخواهیم داد که خاک مسلمانان مستگاه تعرضی علیه هیچ کشوردیگر جهان باشد."

نیکوس رولاندیس، وزیر خارجه قبرس، در مصاحبه‌ای اظهار داشت که:



سیم آخر...

از نامه محرمانه برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر به وزیر خارجه سابق آمریکا، فاش شده توسط آقای بنی صدر رئیس جمهوری:

«رئیس جمهور (کارتر) معتقد است که اقدامات مسورد نظر می بایستی با هماهنگی وزارت دفاع و سایر ادارات و مؤسسات... صورت پذیرد... لازم است جو سوء ظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مسورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور (کارتر) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد...»

این جملات بخشی از دستورالعمل استراتژیک گردانندگان کاخ سفید برای توطئه های براندازی علیه انقلاب ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی است. موطئان ، انقلابیون ، علاقمندان به سرنوشت انقلاب! تجربه ثابت می کند که با ایدئشناری را مدجندان کنیم، توطئه جدیدی در راه است. مسلمانان را از برنامۀ استراتژیک براندازی، که کاخ سفید امپریالیسم سیاه دل آمریکا تدوین کرده ، در کار بردارک و اجراست. همیشه اینطور بوده ، در این یکسال و نیم، هر وقت مرحله تازه ، یا حمله خطرناک ، یا توطئه شومی علیه موجودیت جمهوری اسلامی ایران ، علیه انقلاب ما و استقلال کشور در جریان بوده ، بعنوان زمینۀ تدارکاتی ، اقدامات و تحریکاتی که مطابق با نامۀ محرمانه برژینسکی و دستورالعمل فوق الذکر بوده ، روی داده است. و سپس یک کارزار خرابکاری وسیع ، با یک پیاده کردن نیروی نظامی در طیس ، یا یک توطئه مرگبار با یگان همدان ، سازمان داده شده است.

حالا هم ، آنچه برخی از روزنامه ها "نامه شیدال لحن قطب زاده به وزیر خارجه شوروی" نامیده اند ، نشان میدهد که زمینه های دارد چیده می شود. این نامه طابق لحن بال لعل برای دستورالعمل مذكور می ماند. گویی یکی از اقدامات مورد نظری است که میبایستی با هماهنگی وزارت دفاع آمریکا و سیا صورت پذیرد ، تا آن "جو سوء ظن و عدم اعتماد" ایجاد و مورد بهره برداری قرار گیرد.

در آستانه رویداد اردیبهشت ماه طیس و در آستانه رویداد تیرماه - همدان ، باز هم قطب زاده دور فراوان برداشته بود و با گردوخاک کردن زمین چینی ، تدارک جو مورد نظر را وجه "همت" خود قرار داده بود. او حال دیگر ، در آخرین روزهای وزارتش ، به سیم آزرده است و در او پسین نفس نفس زدنهای خویش ، در سرا شیب تند "نه شرقی ، فقط غربی" از قافله میگذرد هم دارای آنست ، برای تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم "جمهوری اسلامی ایران سو" استفاده می کند. آیا در آستانه کدام رویداد قرار داریم؟

آنچه که در این نامه مربوط به دولت اتحاد شوروی ، همسایه ما ، دوست صدیق مردم ایران و حامی راستین انقلاب بزرگ ما می شود ، مطلبی است که مقامات خود آن دولت ، اگر لازم و سزاوار بدانند ، به آن پاسخ خواهند داد. ولی در این نامه مسائلی مطرح است و بنحوی مطرح است و از جانب مقامی مطرح است که مربوط به همه ایرانیان طرفدار انقلاب و استقلال می شود ، به همه کسانی که مخالف با اجرای نقشه های کارتر و دستورالعمل های برژینسکی هستند ، و در این مقطع ، مطالب نامه "قطب زاده به سرنوشت انقلاب ما و به توطئه ها و تدارکات زمین و جو توطئه های آمریکا می برسیبوس می شود ، زیرا این مطالب چیزی نیست جز تحریک ، اخلال ، ایجاد محیط بدبینی ، ایجاد جو عدم اعتماد ، کوشش برای سلب هرگونه "حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی" ایجاد تیرگی در روابط ، منزوی کردن ایران و انقلاب آن و فراهم کردن کلیه شرایط ، طبق نسخه نامه محرمانه برای ضربات براندازی - البته برپایه دروغ ، ناسزا و تهاجم.

اگر مطالب نامه "این محتوی و هدف رانداست ، اصلاً شایسته کمترین توجهی هم نمی بود ، "نامه" فرق چندانی ندارد با یک مقاله تحریک آمیز و مبتذل ، مملو از دروغ ، ناسزا و تهاجم ، که در فرنگستان ، یک "قا زاده" و وقیح طرفدار بختیار سرسیری می نویسد ، یا یک گوینده جلف رادیوی ضد انقلاب هوادار اویسی ، هر روز دهها نظیرش را میخواند.

ولی اینجا سخن برسرکسی است که "هنوز" وزیر خارجه است ، آنهم وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران ، کشوری که انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی را زیر رهبری امام خمینی ، با آنهمه شکوه و ملامت انجام داد ، و با اینهمه بیگیری

و اعزایش در راه استقلال و آزادی ایران شهید شده اند و صدها نفر از عضا و رهبران سالهای سال در سیاه چالها ، زندانها و شکنجه گاه های ساواک ، چون کوه استوار ایستادند ، در مکتب رزم مردم تربیت شدند و به طاغوت ننه گفتند ، سراراز ناسزا به حزبی است که بیگیرانه و مستعمر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکند و بطور منور و عملی و با نتایج مشهود و ملموس ، تمام نیروی خود را در خدمت تعمیق و دفاع از انقلاب ایران و در خدمت نجات جمهوری اسلامی ایران از توطئه های دشمن گذار و مکار ، که در همه جا عوامل و سر سپردگان خود را دارد ، قرار داده است.

این سرمایه سیاسی خوش بینی برای جناح قطب زاده نیست ، قبل از او همین راه را تیمور بختیارها و ناسور بختیارها ، پهلویها و نصیریها ، آزمونها و نیک خواهها ، آزمودند و اویسیها ، میرا منتظا مها و مقدم مراغه ای ها رفته اند. به این وجه توجیه کنی: "ستون پنجم خود ، یعنی حزب شناخته شده ای را تجدید سازمان نموده ، تا در تحریک و ایجاد اختلاف ... از هر جهت مجهز باشد" "ستون پنجم استعمار از درون به تضعیف نیروی ملی در مقابل با استعمار رگبران می پردازد".

فکر می کنید کدام یک از این دو جمله را قطب زاده در "نامه" منتشره در ۵۹/۱/۲۳ نوشته و کدام یک از سرفاله "ایران نوین" ۱۵ مرداد ۵۹ نقل شده است؟ گویی ابرردستی هر دو را از سر و ته یک کرپاس بریده است. فقط این دومی در نبرد با حزبی که آرمانش خدمت به مردم زحمتکش و به استقلال و آزادی ایران است ، تا آنجا که میبایست زفت و نوشت که با درهم کوفتن توده ایها ، "با استظهار به نظام پر قدرت شاهنشاهی و با انکاء به رهبری داهیان شاهنشاه ، در میان توفانهای مهیب ، سوی اعتلاء و سربلندی و احیاء عظمت ایران ره گشود" ولی آن اولی همنوز جرات نکرده بی آن حد و آشکارا با مرغ طوفان (!) هم آوایی کند. دشمنان انقلاب ما ، از هر رنگ و با هر نامی ، صراحتاً و با رها گفته اند که هدف توطئه های سرکوب آنها - هواداران واقعی و صمیمی امام خمینی و اعضا و هواداران حزب توده ایران هست.

نمی توان گفت که قطب زاده تنها در هیستری ضد توده ای خود کور است و از روی نادانی عمل میکند. او مهرانه و پیگیر ملی ای را دنبال می کند که دقیقاً با نامه محرمانه برژینسکی میخوانند و با ب طبع آنها بی است که در آرزوی نظام پر قدرت (!) شاهنشاهی آه می کشند و ناله می کنند.

این هم زباید جای تعجب ندارد. خود او در این نامه "سیا" استمدارانه با صراحت انقلابی "خوینتن را لومیدهد. در کشوری که تمام مردمن ، برهبری امام ، علیه امپریالیسم آمریکا و کلیه مستکبرین و انحصارات امپریالیستی و صهیونیستی بپا خاسته و سنگ بر روی سنگ تبلیغات دروغین امپریالیستی "جهان آزاد باقی نگذاشته اند ، ناگهان وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران ، با "صراحت" از خود بیخود میشود و در بند ب قسمت دوم "نامه" خود مینویسد: "پول رایج روسیه برخلاف کشورهای آزاد دنیا در خارج از آن کشور ارزشی ندارد!"

صحبت بر سر اینست که چگونه وزیر و "نماینده" جمهوری اسلامی ایران ، یعنی کشوری که میخواد بندگان زبند سیستم بهره کشی و استکبار کشورهای امپریالیستی جدا کند و نمی خواهد سر به تن هیچکدامشان بپوشد ، خود را جازه میدهد که این کشورها را "آزاد" بنامد ، برای قطب زاده که در جرجا و ن چشم پیه دنیای "سیا" ست گشوده و دریای تخت های اروپای غربی بزرگ شده ، ایالات متحده و ژاپن و فرانسه و انگلستان ، "آزاد" بشمار میروند ، آخر مگر نه این است که پول رایجشان در خارج ارزش دارد! دست سرزاده این مدعی انقلاب و صراحت انقلابی!

رفتار غیر مسئولانه برخی از افراد سپاه پاسداران در ستمز در شان انقلاب نیست

رفیق منصور برهون را آزاد کنید!

* در تاریخ ۵۹/۴/۱۵ ، یکی از هواداران حزب توده ، ایران بنام محی الدین وکیلی ، به "جرم" داشتن یک شماره نامه "مردم" در سفر بازداشت شد و ۱۸ روز در بازداشتگاه بسربرد.

* روز ۵۹/۴/۳۱ ، یکی دیگر از هواداران حزب توده ایران ، بنام منصور برهون ، به "جرم" فروش روزنامه قانونی و علنی نامه "مردم" در سفر بازداشت شد و تا کنون در بازداشتگاه بسر می برد. حوادث فوق در سفر روی داده است و متأسفانه نمایانگر عدم شناخت بعضی از مسئولین ازدوسان و دشمنان انقلاب شکوهمند است.

حزب توده ایران به شهادت ۳۸ سال مبارزه پیگیر خود برای آزادی و استقلال ایران و به شهادت صدها سند ، اطلاعیه و بیانیه ، از آغاز انقلاب شکوهمند ایران تا کنون ، در سنگر دفاع بیگیر از انقلاب و دستاوردهای آن قرار داشته است.

سازمان حزب توده ایران در سفر در مدت یک سال و نیم که از انقلاب می گذرد ، با توجه به ویژگی منطقه کردستان ، نیروی راستین مدافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران بوده است.

آنچه مایه حیرت و تأسف است ، برخورد نادرست بعضی از پاسداران انقلاب در ارتباط با فعالیت قانونی رفقای هوادار حزب در سفر است. این برخورد ها تا کنون منجر به دستگیری و دنفراز هواداران حزب و بازداشت یکی از آنها تا این تاریخ شده است.

به مناسبت بازداشت غیرقانونی یکی از هواداران حزب ، سازمان حزب توده ایران در سفر نامه ای به نماینده دادستان انقلاب اسلامی ایران - استان کردستان ، تسلیم کرده و در آن آزادی رفیق بازداشت شده را خواستار شده است. ما از مقامات مسئول می خواهیم که مانع ادامه رفتار غیرمسئولانه برخی از پاسداران شوند و سریعاً برای آزادی رفیق منصور برهون اقدام نمایند.

... بیستترین افشاگریها ، ... بدون نظارت ، ... مرجعی صلاحیت دار ، ... بوده و غالباً مبتذل است. " آیا وی تزویر نمی کند که حالا آنها را عزیز میخواند؟ قطب زاده چه کسی را میخواند خوب کند؟ خودش خوب است و فکر می کند که میتواند دیگران را ، با تزویر ، خوب کند.

کارنامه قطب زاده را ، لااقل در دوران وزارت امور خارجه اش ، کمتر کسی است که نداند. روز ۱۴ تیر و راقی از آنرا ، متضمن اسناد و مدارک ، در نامه "مردم" منعکس کردیم ، که مراجه مجدد به آن بسیار آموزنده است ، کارنامه کسی که نامه رسمی اش پنجشنبه با اطلاع افکار عمومی ایران میرسد ، ولی از دو روز قبل روزنامه "واشنگتن استار" چاپ ... ایالات متحده آمریکا آنرا منتشر و تفسیر کرده بود!

بسیار رندکسانی که میگویند: چه حیف که آدمی چنین سطحی و حقیر بتواند مدعی شود که "نماینده" انقلابی است ، عمق است ، ولی اونما پیونده انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران نمی تواند باشد ، "سیا" ست و تحریف کننده ما هیت انقلاب ما و مسخ کننده جمهوری اسلامی ایران است ، مبرم تر و حادثه تر این تیرانکه ، سیا ست و فعالیت او برای این انقلاب و جمهوری و سرنوشت آن خطرناک است ، زیرا که در خط آمریکا ست. "نامه" شیدال لحن قطب زاده هم درست در جهت نامه محرمانه برژینسکی است ، نکته به نکته ، دستورالعمل های آن را اجرا میکند و موبه موباً منافذ امپریالیسم آمریکا میخواند.

ولی مطمئناً قطب زاده کوچکتر از آنست که بتواند دستورالعمل نامه محرمانه برژینسکی را اجرا کند. او بدون تردید موفق نخواهد شد که دوستان انقلاب ایران را تحریک و عصبانی کند ، سوء ظن و عدم اعتماد بپا فریند و جو مورد علاقه آمریکا را ایجاد نماید. ما مطمئن هستیم که هیچگونه تحریک و فتنه انگیزی ، هر قدر هم "استادانسه" تنظیم شود - تشبثات کودکانه و سبکسرانه قطب زاده که جای خود دارد - نمیتواند اتحاد و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و نهضت های اصیل ضد امپریالیستی و انقلاب های بزرگ عمروا را ، علیه دشمن مشترک آنها ، امپریالیسم ، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا درهم شکند. دوستی و همکاری انقلاب ایران و مردم انقلابی ما با دولت مردم اتحاد شوروی ، در نبرد اصولی آنها ، علیه امپریالیسم ، بقدری بزرگ و ریشه دار و ریحانی است ، که قطب زاده آدمی ، امولا نمیتواند مانعی در راه آن بجا بآید.

بدون تردید انقلاب ایران ، در روند متعالی خویش ، هر خواصا کسکی را از سراه خود بکنار خواهد زد.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود



صهیونیست‌های اسرائیلی اقدامات تجاوزی خود را گسترش میدهند

صهیونیست‌های تل آویو، علیرغم اعتراض گسترده جهان با کمال گستاخی سیاست تجاوزکارانه خود را در سرزمین‌های اشغالی عرب اجرا می‌کنند. دولت تل آویو برنامه ضبط و تصرف اراضی وسیعی در کرانه غربی رود اردن را اعلام کرده است. قرار است در این اراضی جاده‌ای، که تا بلس را به آبادی شبه نظامی الون موره متصل کند، ساخته شود. صهیونیست‌های تل آویو با غضب اراضی ساکنان عرب، آبادی‌های شبه نظامی یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن را اجساد می‌کنند.

از سوی دیگر گزارش‌های رسیده از کرانه غربی رود اردن نشان می‌دهد که جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی عرب، که در زندان‌های دژخیمان صهیونیست دست به اعتصاب غذا زده‌اند، گسترش می‌یابد. مدها تن از زندانیان سیاسی عرب، چند هفته است که در زندان‌های اسرائیلی دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

همکاری رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل

همکاری‌های رژیم نژادپرست افریقای جنوبی و صهیونیست‌های اسرائیل، بویژه در زمینه نظامی، روز بروز گسترش بیشتری می‌یابد. در پایان دیدار "باربو"، ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، گفته شده که معاملات تسلیحاتی دو کشور در سال آینده به میزان چشمگیری افزایش خواهد یافت. "باربو" بگفته خود برای "آشنایی با جریان‌های فنی و نظامی آفریقای جنوبی به این کشور سفر کرده بود. در سال‌های اخیر رژیم‌های اسرائیل و افریقای جنوبی، که هر دو از حمایت قاطع آمریکا برخوردارند، یک رشته فعالیت‌های گسترده را در زمینه صنعتی و نظامی آغاز کرده‌اند. افریقای جنوبی، که دارای منابع غنی فلزات گرانبها از جمله اورانیوم است، مواد اولیه مورد نیاز اسرائیل را، بویژه اورانیوم، کرم و غیره فراهم می‌کند و اسرائیل نیز در زمینه‌های تسلیحاتی کمک‌های قابل ملاحظه‌ای در اختیار رنژاد پرستان پرتوریو قرار می‌دهد. دیدار ژنرال باز-نشسته اسرائیلی از افریقای جنوبی، نگرانی مردم افریقا را دوچندان کرده است.

تجاوز مسلحانه چین به مرزهای ویتنام

دره‌های نو، گزارش تحریکات مسلحانه چین در مرز ویتنام در دوروز اول ماه اوت، منتشر شد. بموجوب این گزارش، در این مدت سربازان چینی چندبار به روستاهای ایالت‌های مرزی ویتنام، از جمله ایالت فوانگ سن حمله کردند و دهها خانه روستایی را ویران ساختند. هواپیماهای نظامی چین نیز بارها به حریم هوایی ویتنام تجاوز کردند و کشتی‌های چینی نیز وارد آب‌های سرزمین ویتنام شدند.

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا تلاش امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکارا برای احیاء جنگ سرد محکوم کرد

کنگره حزب کمونیست ونزوئلا، در کاراکاس به کار خود پایان داد. سخنرانان در کنگره ضمن اشاره به اوضاع جهانی اعلام کردند که امپریالیسم، و در درجه اول امپریالیسم‌های آمریکا، تلاش می‌کنند که اوضاع جهانی را متشنج سازند و جهان را به دوران جنگ سرد بازگردانند. کنگره حزب کمونیست ونزوئلا در قطعنامه خود از مبارزه خلق افغانستان برای ساختمان زندگی نوین حمایت کرد و توطئه امپریالیسم جهانی و ارتجاع بین‌المللی را علیه انقلاب افغانستان محکوم ساخت.

کنگره اعلام کرده که دولت افغانستان مانده در دولت مستقل و ملی دیگر میتواند برای دفع تجاوز و بیشتر ما خارج در چهارچوب موافقت نامه‌های بین‌المللی از کشورهای دوست تقاضای کمک کند.

کنگره، همبستگی کمونیست‌های ونزوئلا را با مردم بولیوی و السالوادور، که علیه رژیم‌های نظامی دست نشاندگی مبارزه می‌کنند، اعلام داشت و در عین حال خواستار همبستگی بیشتر جهانی با مبارزه

استیضاح پارلمانی کمونیست‌های یونان در باره شرکت دولت یونان در تجاوزات امریکا علیه ایران

با دولت یونان نیز دیدار کرده‌اند و ضمن توضیح نظرات دولت آمریکا، خواست تفاهم و پشتیبانی آنرا مطرح ساخته‌اند. ما از دولت می‌خواهیم که به احساسات عمومی پاسخ گوید، منافع ملی ما را در نظر گیرد، استقلال خویش را از مواضع خطرناک آمریکا اعلام دارد و از توجیه این سیاست دست بکشد.

دولت یونان باید اعلام کند که اجازه نخواهد داد تا از سرزمین یونان برای هیچ‌گونه اقدامی علیه ایران استفاده شود و از شرکت در نقشه‌های احتمالی "جامعه اقتصادی اروپا" و "ناتو" علیه آن کشور خودداری خواهد ورزید. با توجه به اهمیت موقعیت یونان در نقشه‌های تجاوزکارانه ایالات متحده، چنین اظهارهای از سوی دولت در حال حاضر خدمت بزرگی به امر دفاع از صلح تلقی خواهد شد.

دولت تاکنون تاکتیک سکوت را اختیار کرده است، که در واقع باعث تشویق ماجراجویان پنتاگون خواهد گشت. از سوی دیگر، نمایندگان یونان در بروکسل، در پشتیبانی دیپلماتیک "ناتو" از اقدام جنایتکارانه کاتر، شرکت ورزیدند. بنابراین، از وزیر خارجه خواستاریم که در پارلمان به پرسش‌های زیرین پاسخ دهد:

۱- نظر مشخص دولت یونان درباره تجاوز اخیر ایالات متحده به ایران چیست؟

۲- مضمون تاسی‌های نمایندگان دولت آمریکا با دولت یونان چه بوده و چه پاسخی در پی داشته است؟

۳- آیا دولت یونان پیشنهادهای نامبرده را برای اعلام استقلال از تحریکات جنگ افروزانه ایالات متحده و پاسداری از صلح می‌پذیرد؟

س از توطئه نافرجام طیس، گروه پارلمانی حزب کمونیست یونان، دولت آن کشور را در این باره استیضاح کرد. در بررسی این گروه از دولت یونان، که متن آن اکنون بدست ما رسیده است، می‌خوانیم:

"آخرین اقدام تجاوزکارانه و جنگ افروزانه ایالات متحده، آمریکادرنقض فاحش حق حاکمیت مردم ایران از سوی آن دولت، خشم همه نیروهای صلح‌دوست جهان را برانگیخته است. این اقدام نشان می‌دهد که نگرانی باصلاح بشردوستانه امپریالیست‌ها چیزی جز بیانه‌ای برای مداخله مسلحانه و روریوی با انقلاب ایران نیست.

مردم یونان اقدام وقیحانه امپریالیسم را بیدرنگ بطرق گوناگون محکوم کردند و نگرانی خود را از ملاحظه صلح در منطقه حساس مجاور کشور خود و در سراسر جهان ابراز داشتند. چنانکه می‌دانیم، محافظ تجاوزکار ایالات متحده برای جلب پشتیبانی کشورهای که در مدارهای سیاسی و نظامی آنها حرکت می‌کنند، اهمیت فراوان قائل هستند و در این زمینه سخت تلاش می‌ورزند. بدین ترتیب جو روریوی، که اینک از سوی ایالات متحده، آمریکا برانگیخته و دامن زده میشود، این خطر سهمگین را ببار می‌آورد که کشورهای دیگر نیز در ماجراجویی‌های جنگ افروزانه علیه منافع خلقها درگیر گردند.

موقعیت یونان در این زمینه بس خطیر است. چون محتمل است که پایگاه‌هایی که در سراسر کشورمان برانگنده است، چنانکه گفته‌های محافظ میلیتاریستی و نمایندگان "ناتو" نایت می‌کند، به تخت جهشی برای ایالات متحده تبدیل شود. چندتن از رهبران سیاسی و نظامی ایالات متحده

ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت بر آوردن نیازهای اقتصادی انقلاب

شرکت سیمرغ با تولید روزانه ۹۰ تن تخم مرغ و ۶۰ تن گوشت مرغ ملی اعلام شد. ملی کردن شرکت سیمرغ گامی است مثبت در جهت بر آوردن نیازهای اقتصادی انقلاب.

شرکت‌های بزرگ تولیدی با انحصاری کردن بازار فروش و تعیین قیمت کالاهای مصرفی در سطوح بالا و پائین با بازی قیمت‌ها برای ورشکستگی هر چه بیشتر تولیدکنندگان کوچک و پائین احتکار کالاهای مصرفی عامل رشد نا رضایانه بوده و هستند. با مداخلت جدی که به انقلاب و سالم سازی محیط اقتصادی و اجتماعی می‌زنند، توده‌های زحمتکش را به انقلاب بی‌اعتنا و بی‌اعتقاد می‌سازند.

با ملی کردن شرکت سیمرغ و ادامه تولید در واحدهای تولیدی این شرکت و با برنامهریزی و مدیریت صحیح میتوان رنگام‌های اساسی در جهت حفظ منافع زحمتکشان برداشت.

این شرکت در زمان رژیم شاه مخلوع بیش از ۶۰۰۰۰ میلیون ریال وام (مطابق با بند ج) دریافت داشته است. در شرکت سیمرغ، که مجموعاً ۷ واحد تولیدی را در سراسر کشور در بر می‌گرفت، حدود ۱۰۰۰۰ نفر از کارکنان و زحمتکشان متمرکز شده‌اند.

انحلال بزرگ سرمایه‌داری‌های انحصاری و تقویت واحدهای کوچک و متوسط و ایجاد و تحکیم تعاونی‌ها در این زمینه بسیار می‌تواند راه‌کنای حل مشکلات باشد.

مردم شیلی و گواتمالا شد. کنگره اعلام کرد که تحریکات امپریالیسم آمریکا علیه کوبا، انقلابی با بهره‌رچه زودتر پایان نیابد. کمونیست‌های ونزوئلا حمایت خود را از انقلاب شیکاو را گوشه اعلام کردند. در قطعنامه کنگره تأکید شده است، که ما شویست‌های چین با همبستگی و قیام نه با امپریالیسم آمریکا، به جنبش جهانی کمونیستی و کارگری خیانت کرده‌اند. دبیرکل حزب کمونیست ونزوئلا در پایان کنگره گفت که این حزب برای تحکیم و همبستگی هر چه بیشتر جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و حمایت هر چه بیشتر از خلق‌هایی که علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند، تلاش خواهد کرد.

مردم آمریکا به حزب دمکرات: عوامفریبی بس!

خبرگزاری‌های غربی که جزئیات "کنوانسیون حزب دمکرات آمریکا را در نیویورک با آب و تاب فراوان مخابره می‌کنند، در باره یک رویداد مهم سکوت مطلق اختیار کرده‌اند: دمکرات در نیویورک، هر روز هزاران آمریکایی در اطراف محل برگزاری آن جمع می‌شوند و فریاد می‌زنند: "عوام فریبی بس است".

مردم تظاهراتکننده از جمله شعار می‌دهند: "پول مردم را برای ایجاد مشاغل جدید اختصاص دهید، نه برای ساختن سلاح‌های جنگی".

دیدار برژنف و هونکر

اریش هونکر رهبر جمهوری دمکراتیک آلمان در کریمه با لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی ملاقات و مذاکره کرد. این دیدار در چارچوب مشورت‌های منظم رهبران کشورهای سوسیالیستی صورت گرفت. در چند هفته گذشته رهبران رومانی، لهستان، بلغارستان و چکسلواکی نیز در کریمه با لئونید برژنف مذاکراتی انجام دادند.

برژنف و هونکر اعلام کردند که روابط بین‌المللی بفرنج و متشنج شده و امپریالیسم آمریکا بخيال خود تصمیم گرفته است که نسبت به اتحاد شوروی برتری نظامی بدست آورد و بدین جهت به مسابقه تسلیحاتی دامن می‌زند.

رهبران اتحاد شوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان اعلام کردند که لازم است برای حصول به خلق سلاح و کاهش تشنج اقدام‌های قاطعی صورت گیرد.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

حمله اوپاش به محل فروش نامه «مردم» در ورامین و کتاب‌سوزان

روز سه‌شنبه ۵۹/۵/۲۳، ساعت ۷ بعد از ظهر، یکمده از اوپاش بی‌مسئولیت به کتابفروشی و محل فروش نامه "مردم" در ورامین، واقع در نزدیکی کارخانه قند ورامین حمله بردند. بازم عده‌ای چاقو بدست و عریضه‌جو با یورش وحشیانه خود یکی از هواداران حزب توده ایران را که، در محل بود، بسختی مضروب و مجروح کردند و بلاوه یک بیرمرد دهقان را که در آنجا حاضر بود و از کتابفروشی در برابر حمله اوپاش دفاع می‌کرد، بشدت کتک زدند و اورانیز مجروح ساختند. اراذل بی‌مسئولیت و عناصر خرابکار برای تکمیل عمل خویش نسرابت و کتبراً بیرون کشیدند و آتش زدند.

بنابه اخبار واصله در بین حمله کنندگان قانون شکن، همان افرادی که قبلاً به فرمانداری نیز یورش برده بودند دیده می‌شدند. آنها از عناصر ضدانقلابی شناخته شده هستند.

تانهادهای قانونی کشور حرمت سخن و اطلاعیه و تصمیم خویش را نگه ندارند و این عناصر را که نیت سوم ضدانقلاب را اجرامی‌کنند و امنیت قضائی را به خشن‌ترین وجهی لگدمال می‌کنند، مجازات نکنند. نظریات گوناگون قانون شکنی‌ها ادامه خواهد یافت و اراذل بادست باز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اطلاعیه‌های عالیترین مقامات قضایی کشور را جسورانه زیر پا خواهند گذاشت.

تخریب، مضروب کردن و آتش زدن، از جمله فاشیست‌بازیهایی است که بهمین علت ادامه یافته است.

اوپاشان به رفقای حزبی ما در اراک هجوم بردند و آنها را بشدت مجروح کردند.

شب یکشنبه ۵۹/۵/۵، گروهی از جماعتداران مجهز به سلاح‌های سرد (چاقو و پنجه‌بکس) به رفقای حزبی ما در اراک، خیابان حجازی، حمله‌ور شدند و عده‌ای از رفقا را بشدت مجروح ساختند.

با وجود هشدارهای مکرر حزب توده ایران به مقامات مسئول برای جلوگیری از فاعلیت عناصر مشکوک و ضد انقلابی، که در جهت ایجاد تشنج و ناامنی تلاش می‌کنند، و چو مناسبی برای رشد فعالیت ضد انقلاب و تحقق توطئه‌های آن ایجاد می‌کنند، با زهم این عناصر جسورانه به اعمال خود ادامه می‌دهند.

برخورد برخی از مقامات متأسفانه غیرمسئولانه و خالی از تعهد به نیازهای انقلاب است. و در سایه همین تعلل‌ها و مسامحه‌کاریهاست که عناصر مشکوک، بدون دغدغه، یورش خود را به نیروهای صدیق انقلاب ادامه می‌دهند.

گروهی از همین عناصر بودند که به رفقای حزبی ما در خیابان حجازی اراک حمله‌ور شدند و ۳ نفر از آنها را با چاقو بشدت مجروح کردند. رفقای مجروح در بیمارستان شهر بستری شدند، یکی از مهاجمین، که توسط رفقای حزبی دستگیر و به کلانتری ۳ اراک تحویل شده بود، بلافاصله آزاد شد.

آزادای این عناصر و عدم پیگیری در تعقیب و مجازات آنها، ضد انقلاب را در ادامه اعمال خود جسارت و وقاحت بیشتری می‌بخشد.

بمناسبت این واقعه نامه‌ای از طرف سازمان حزب توده ایران در اراک به داستان دادسرای انقلاب اسلامی اراک تسلیم گردیده است، که در آن، بعد از شرح واقعه، تعقیب و مجازات عناصر مهاجم و تشنج ساز خواسته شده است. ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که با تعقیب جدی و پیگیری این افراد مشکوک مانع از لگدمال شدن قانون اساسی و گسترش توطئه‌های ضد انقلاب شوند.

نامه هر روز، ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان آذر، شماره ۶۸

محل دفترنامه مردم

فعالان در اشغال عناصر غیرمسئول است